

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

بها: ۲۰ ریال

دوشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۵۸

بیکار را بخوانید، در تکثیر و پخش آن بکوشید

- اعداد فاشیستی انقلابیون خلق عرب در صفحه ۶
- زندگی سرشار از مبارزه رفیق شهید بهمن عزتی در صفحه ۷
- گزارشی از مبارزات کارکنان کشت و صنعت کارون در صفحه ۸
- بخشنامه های ضد انقلابی در صفحه ۱۵

اعلامیه سازمان درباره مبارزات کارگران بیکار: از مبارزات کارگران بیکار چه می آموزیم؟

- چرا دولت بخود اجازه می دهد همین مقدار ناچیز وام بیکاری را دوباره پس بگیرد؟
- چه کسانی از پشت به کارگران خنجر می زنند؟
- چگونه می توانیم پیروز شویم؟

در صفحه ۱۶

کار، کار، کار اینست شعار بیکار

گزارشی از مبارزه کارگران و دیلمه های بیکار تبریز

در صفحه ۱۳

نگاهی به مواد قانون اساسی محصول مجلس خبرگان

لیست، مترقی و انقلابی تدوین شده بود، پس از طی بگذرد تمام کمال کش و قوسها، به تاخیر انداختن ها و اکراه وی میلی دولت مندان سر- بقیه در صفحه ۲

هنگامیکه چند ماه پیش، متن نهایی پیش نویس قانون اساسی که بطرز کاملاً سری و در اطاقهای دربسته وبدون مشارکت و نظردهسی انقلابی ودموکراتیک کلیه نیروهای ضدا مبر-

جنبش گاوگری

اعتصاب کارگران مبارز ماشین سازی پارس

شورای ضد کارگری کارخانه چیت تهران بافکار

بخشنامه ضد کارگری دولت و مقاومت کارگران در مقابل آن

اعتصاب و تجمع کارگران فاستر ویلر (تهران - جنوب)

اعتصاب، ناپیروزی کامل ادامه دارد در صفحه ۱۶

کارگر به پیش! شماره هفت، توقیف شد!

سخنی پیرامون ترمیم کابینه

دولت بازرگان چهارمین ترمیم را پشت سر گذاشت. روند این تغییرات بگونه ای است که هر چه بیشتر، لیبرالها غیرمذهبی با کمتر مذهبی از دستگاه دولتی به کنار کشانده میشوند. و به همان نسبت بورژوازی مذهبی که در ترکیب دولت اکثریت را شامل میشود، امکان بیشتری برای اتحاد با اقلیت ممتاز روحانیت می یابد، این اتحاد نامقدس با ورود مهره های مورد اعتماد قشر بقیه در صفحه ۶

شور زندگی در جنبش دانش آموزی میهن ما

اخباری از مبارزات دانش آموزان

در صفحه ۳

اخباری از: کردستان قهرمان

در صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بر مقدرات توده‌ها و میهن و عمال داخلی آنها یعنی سلطنت فاسد پهلوی، سرمایه‌داران، زمینداران و دلالان زالوصفت وابسته به آنها بوجود آمده است.
روشن است که نمایندگان با صلاح غیره ما با اصلی که تصویب کرده‌اند، درحقیقت واقعتاً انکارناپذیر و مثل روز روشنی را

بسرعت طرفان یکی پس از دیگری صورت رسمی پیدا میکنند. اکنون که هیئت خاکم‌خبا نتهای خود را نسبت به آرایهای اصیل توده‌های میلیونی ایران را احیای دوباره مناسبات احارت با رقدیم برپا به توهانات و احساسات پاک توده‌ها مرتکب میگردد، لازم میدانیم به بررسی بیشتری در مورد این مواد بپردازیم:

نگاهی به مواد قانون اساسی

این سه عرصه مطوعات ظاهراً هرگز نبوده و نیستند. خود را به نمایش گذاشتند. در آن زمان سازمان ما با بررسی ویی گامی مجموعه نقطه نظرات و عمل کردهای سیستم حکومتی در عرصه حیات اجتماعی معنایی از - هیئت و محتوای طبقاتی آنست. از یکسو تجزیه و تحلیل و موثکافی مواد قانون اساسی از سوی دیگر شرح و تفسیر به خلقهای ایران اظهار داشت که این قانون نمی تواند بیانگر مودافع منافع خلقهای ایران در این مرحله یعنی انقلاب سدامپریالیستی و دموکراتیک باشد. و علی‌رغم عجز و تعدیل‌هایسی که تحت فشار جنبش توده‌ها و اعتراض نیروهای مترقی و انقلابی پذیرا شده و نسبت به متن سابق قدمی به جلو برداشته، در اساس و محتوی تعیینی پیدا نکرده و تغییرات حاصله جزئی سطحی و دل خوش کن می باشد. سازمان ما همچنین اعلام میکرد که سیستم حکومتی حاضر بنا به منافع و با یکسایه طبقاتی اش از آنجا که نمی تواند به ناسودی کامل ویی چون برای سلطه و نفوذ امپریالیسم، حاکمیت مناسبات سرمایه‌داری وابسته و عمال بومی امپریالیسم در ایران جامع عمل بپوشاند بلکه در تحکیم و تقویت اساس این نظام نیز تلاش میکند. از آنجا که از همان اولین روز حکومت خود در برابر سرسپردگان امپریالیسم ترمش و کوشش نشان داد، قراردادهای اسارت‌آور امپریالیستی را با برجا نگه داشته و سیستم سرمایه‌داری وابسته را در لگافهای اسلامی به عنوان اساس حاکمیت خود در داخل بحران عمیق و همه‌جانبه اقتصادی و اجتماعی موجود برگزیده است، بهیچوجه قادر نیست قانونی تدوین کند که از خواستههای اصیل و عمیق خلقهای ایران نشاءت گرفته و مدافع و محافظ آن باشد.

مجلس خبرگان با تصویب ماده اول قانون اساسی :

- انقلاب را پیروز میدانند! موضوعی که مدعیانش از ابتدا جرئت گفتن آنرا نداشتند!
- بر محتوای دمکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب پرده می‌اندازد! چیزی که رو در روشنی با میلیونها توده، ستمدیده، ما است که ماهها فریاد زدند: استقلال، آزادی!
- تنفر و انزجار عمیق خود را نسبت به جامعه بی طبقه نشان می‌دهد! چیزی که هدف‌نهایی تمام زحمتکشان است!

کاملاً انکار نموده و ماهیت و محتوای انقلاب خلقهای ایران را از دید توده‌ها و فسادات تاریخ پنهان میسازند.
از طرف دیگر در اصل آمده است "انقلاب پیروز شد... در حالیکه واقعتاً اینستکه انقلاب خلقهای ایران اگر چه پیروز ماندن است به بیش متناخت و در حرکت روبه اعتدال خود توانست بساط سنگین سلطنت را درهم بپسند و ضربات محکمی بر منافع امپریالیسم وارد آورد. اما نتوانست همچنان به حرکت پیشرونده خود ادامه دهد. رژیممی که از فریاد قیام روی کار آمد بنا به ماهیت طبقاتی خود بر جنبش دهنه زد، سازش و ماساژات با دشمنان انقلاب آغاز شد. قراردادهای اسارت‌بار به اعتبار خود باقی ماندند. ارتش بهمان صورت سابق و با همان روسای سابق حفظ شد. سرسپردگان رژیم سابق یک بیک آزاد شده وحشی بشیرانه تر از آن دوباره به سرکار خود بازگشتند. یعنی انقلاب در شمه‌راه متوقف ماند و نتوانست به هدف خود یعنی رهائی از قید و بند وابستگی به امپریالیسم و عمال داخلی آنها دست یابد. خلقهای ایران نتوانستند استقلال واقعی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بصفت آورده، ستم ملی و ارتجاع داخلی را نابود سازند. اما اگر انقلاب از دیدگاه منافع زحمتکشان جامعه ما ناتمام ماند و به پیروزی کامل نرسید، از نظر بورژوازی لیبرال خاشن و روحانیت مشروع طلب به پیروزی رسیده، چرا که آنها را حاکم بر مقدرات خلق کرد! و همین باید شتت گردد. اما بنجام توده‌ها!

اصل اول - حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب پیروز شدند خود بر رهبری امام خمینی، در همه پرسش دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ برابر با اول جمادی الاولی سال ۱۳۹۹ هجری قمری با اکثریت ۹۹۸/۲ کلیه کسانی که حق رای داشتند به آن رای مثبت داد.

این اصل که علی القاعده جانما به قانون اساسی بوده و میبایستی مبین چکیده و اصلی ترین هدفی باشد که انقلاب خلقهای ایران در سرلوحه خود قرار داده بود (و هست) و میخواید آنرا در تاریخ ثبت نماید تا بر مبنای آن رژیم آینده رسماً و قانوناً بنا - گردد و آیندگان نیز با استناد به آن در باره کم و کیف انقلاب خلقهای ایران در این مرحله از تاریخ حیات اجتماعی شان قضاوت کنند.

حال ببینیم آنان که در مجلس خبرگان گرد آمده‌اند چگونه حق را در مورد مطلب ادا میکنند؟ یعنی آنچه را که واقعاً بوده و اتفاق افتاده، آنچه را که خواست خلقهای ایران بوده، چگونه متعکس و در تاریخ ثبت میکنند.

اصل موصوبه مجلس خبرگان بما میگوید که جمهوری اسلامی بر اساس اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن روی کار آمده است. اما همه میدانیم که این واقعتاً انکارناپذیر و برهه معلومی است که خلقهای ایران (که شکی نسبت اکثریتشان مصلحان نیستند)، در جنبشی با ماهیت و محتوی شدیداً ضد امپریالیستی و دمکراتیک شرکت نموده و قهرمانانه در این راه رزمیدند و چیزی که آنها بدست آورده اند تنها بخش کوچکی از آرمانهای انقلابی در راه رهائی از قید و بند هرگونه ستم ملی و طبقاتی میباشد. قید و بندی که در نتیجه حاکمیت شوم امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا

امروز گذشت زمان و اصولی که از مجلس به اصطلاح خبرگان تصویب شده بیرون می آیند و واقعتاً بالا را با طوق کامل تا شید میکنند. برای درک هر چه بیشتر واقعتاً و در جریان واقعی امور فرا گرفتن، کافیت که به آنچه که در مجلس بسمه اصطلاح خبرگان میگردد "منتخب دستچین" این بحثها و بررسی هاسطور مختصر در مانتهای گروهی متعکس میگردد، مراجعه کنیم. مراجعه کنیم و ببینیم چگونه کسانی که هیچگونه درک انقلابی از منافع خلقهای ایران ندارند، مضحکه کالمی از فضیلتها و لاطائلات درست کرده اند که تسمق در آن خشم هر فرد انقلابی و مبارز را برمی انگیزد، ویی اختیار این حقیقت در پیش روی ما قرار می گیرد که ۶۵ هزار شهید به هدر رفتند. مراجعه کنیم و ببینیم چگونه زیر پرچم اسلام تمام قوانین سابق احیا میگردد و حتی ابتدائی ترین و حیاتی ترین حقوق و منافع خلقهای ایران در نظر گرفته نشده و با خیال میشود.

چگونه بحثها و جدل‌هایی که صورت میگیرد نه روی محتوی و اساس مواد و تا کید و او را بر منافع توده‌ها بلکه بر روی چیزهای فرعی و غنچه‌آوری است که تنها خیال سرمایه‌داران و زمینداران زالوصفت و سرسپردگان رژیم سابق را آسوده میسازد. برخی نظرات و پیشنهادات خود را درباره قانون اساسی در شماره‌های قبل بیکار ببسایان داشته‌ایم. اکنون که مواد پیش نویسی

همچنین در بالا گفتیم که توده‌ها بر اساس آنچه که میخواهند و بغاظر آن در بقیه در صفحه ۲

توضیح:
"ولایت فقیه گشا دتریین کلاهی که بسم مردم ایران میبرود!"
را در شماره آینده دنبال خواهیم کرد.

شور زندگی در جنبش دانش آموزی میهن ما

تحصن دانش آموزان شبانه
برای معافیت از شهریه

تبریز

وقتی محصلین شبانه بعد از دوره را همتا می گفتم، از این بچه ها می شنیدم که برای ثبت نام مراجع می کنند، می بینند که حدود ۵۵۰ تومان شهریه باید بدهند. از این بچه ها می شنیدم که اعتراض و معافیت از شهریه روزیکشنبه ۵۸/۷/۱ (پنجشنبه ۵۸/۷/۲) در استان داری تحصن می شوند و از استان ساری می خواهند که آنها هم مثل روزانه از پرداخت شهریه معاف شوند (البته، دانش آموزان روزانه طی مبارزه ای، معافیت از شهریه را گرفتند) استان ساری قبول نمی کند، ولی آنها با فشاری می کنند، و به سخنرانی ملاتی که میخواست آنها تحصن را بشکنند، توجه نمی کنند. بعد از آن ایضا دفتر می گویند، دانش آموزان هر کلاس جداگانه با بستند تا آنها مذاکره کنیم، ولی دانش آموزان نمی پذیرند، پس از ۲ ساعت که از تحصن می گذرد و همه تیرهاشان به سنگ می خورد، استان ساری مجبور میشود معافیت آنها را از شهریه قبول کند. دانش آموزان می گویند، باید رئیس کل آموزش و پرورش هم امضا کند. آنجا به حقوق مشکل از جلواستان داری تسلط اداره کل آموزش و پرورش را همیشه می بینند، پس از امضا، رئیس آموزش و پرورش وی را او - دارمی کنند که نامه امضا شده را تکثیر کنند و به همه مدارس بفرستند.

اخراج بخاطر فعالیت های سیاسی

تهران

دبیرستان دخترانه پنهانک، در اوایل خرداد ماه و اوایل تیرماه سال گذشته، دانش آموزان را به عنوان بی اعتنائی به مقررات و بی انضباطی اخراج کرد. اما واقفیت اینست که دانش آموزان مذکور به علت فعالیت برای ایجاد شور و محیطی دموکراتیک و نیز افشای ماهیت سیستم آموزشی و تشکیل تعاونی و کتابخانه دست سها مدار مدرسه بنام قاضی زکیل اخراج شدند. در زیر بنا ما خراجی یکی از آنها بنا شده می شود:

انقلاب اسلامی وارد آرد و شد و سرپرست آنها بمیان دانش آموزان آمد و گفت: "بنا بگفته امام هیچکس حق تظا هرات و تحصن را ندارد، اما چون خواستهای شما بر حق است، شما بندگان خود را پیش ما بفرستید، تا با هم مذاکره کنیم، در ضمن شما دروغ می گوید که برای موضوع شهریه به اینجا آمده اید. چون روز پنجشنبه مدیر کل طی اطلاعیه ای اعلام کرد که اجباری نیست و هر کس علاقه دارد بدهد." در این حال یکی از دانش آموزان مثل فنر پدید وسط حرفش گفت:

"اولا چون ما محصلیم، موضوع به آموزش و پرورش مربوط می شود و هیچ کس دیگر حق دخالت در امور ما را ندارد، دوم این - که گفتید ما دروغ می گوئیم، اگر اطلاعیه را خوانده باشید، دنبال هاش آمده که هر کس شهریه نپردازد، به پیش اجتماع می نداد. ما میگوئیم آیا شما پیش اجتماع می رها پول نگاه می کنید؟ اگر اینطور است، پس امیر لیسیم آمریکا و سرمایه داران از همه بیشتر پیش اجتماع می دارند و بگفته شما، بچه های سرمایه دارها از ما بچه های کارگران و زحمتکشان بیشتر می بینند."

وی همچنین گفت:

"اگر خیال می کنید که ما توسط می کنیم بدانید ما بودیم که با رسال به غیا با شما ریختیم و به بیروزی انقلاب کمک کردیم، حالا هم این قدرت را داریم که از انقلاب خود پاسداری کنیم، به شما هم مربوط نیست. مطمئن باشید که تا بر آوردن خواستهایمان تسلیم نخواهیم شد." خبر بعدی حاکیست که دانش آموزان بدون قید و شرط از پرداخت شهریه معاف می شوند.

سال تحصیلی جدید آغاز شد. دانش آموزانی که در تجربه خونین سال گذشته آبدیده شده اند، نوجوانانی که با شرکت فداکارانه خویش در انقلاب، اندوخته های بمراتب بیشتر از من خود کسب کرده اند با حفظ همان شورش و شوق قبل از قیام برای مدارس شدند. آنها در همان اولین برخورد خود نسبت به حفظ مبارها و ضوابط رژیم وابسته شاه عکس العمل نشان دادند. مبارزه بر علیه شهریه، مبارزه بر علیه نظام طبقاتی مدارس، مبارزه بر علیه تفتیش ساواک منشا نه عقاید... برتاب. سر میهن را فرا گرفت، تحصن در استان داری ها در جلوی ادارات و آموزش و پرورش، رویدادهای نخستین روزهای سال تحصیلی در کنگار و گوشه میهن ما بود. این مبارزات مشت محکمی بود بر دهان هیئت حاکمه از جانب نوجوانان وطن ما، از طرف فرزندان زحمتکشان ما، که میسوه نارس انقلابشان بدست ناپاک بورژوازی و همدستان مشروع طلب و ارجیده شد، و این است گوشه ای از این مبارزات:

آمل

در مدرسه راهنمایی تحصیلی سرور آمل - پوش، از ۲۵ دانش آموز دختر به علت دانشتن سابقه فعالیت سیاسی، ثبت نام نمی کنند. مدیر مدرسه گفته است، در صورتی از آنها ثبت نام می کنند که تعهد بدهند از این پس فعالیت سیاسی نداشته باشند. جالب توجه است که مدیر مذکور، قبل از قیام طرفدار رژیم شاه خاشن بوده و از تظا هرات دانش آموزان جلوگیری می کرده و بیخاطر همین، با چند نفر از دانش آموزان - انیکه امروز جزو ثبت نام نشدگان هستند در یکی پیدا می کنند، اما امروز رنگ عوض کرده و زیر نام اعلام، از ثبت نام دانش آموزان مبارز جلوگیری می کند.

نسلی مبارز و قهرمان
که آبدیده می شود

تبریز

روزیکشنبه ۵۸/۶/۲۲ تعدادی از دانش آموزان مدارس تبریز با شعار (شهریه مدارس الفبا - با بدگردد - فعالیت سیاسی آزاد باید گردد) وارد ادارات آموزش و پرورش شده و پس از بحث و گفتگو در باره مسائل و مشکلات خود نمایندگانشان را پیش مدیر کل فرستادند. تا آنها بیایند با مدیر کل مذاکره کنند، بقیه دانش آموزان، شعارها و خواستهایشان را روی کاغذ نوشته و به دیوار چسباندند. از جمله شعارها: (شورا های دانش آموزان، شهریه را از سرمایه داران دگسان خواهند گرفت)، (فعالیت سیاسی در مدارس آزاد باید گردد)، پس از مدتی که نمایندگان بدون دریافت جواب قانع کننده ای برگشتند، همگی در سالن آموزش و پرورش شروع به تظا هرات کردند، با همان شعارهای قبلی. در این هنگام مدیر کل - های نظام قدیم که جواب سر بالا شنیده بودند، باشعار (خواسته دیپلمه های بیکار - یا برگ با استفاده ام)، به دانش آموزان پیوستند. پس از چند دقیقه عده ای از افراد سپاه پاسداران

دبیرستان دخترانه پنهانک

رئیس مدرسه دانش آموزان

تاریخ
شماره

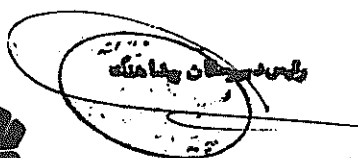
مکان در تاریخ ۸/۶/۲۲ در تمام تهران

باده شده دبیرستان از لایه لایه جهان آینه مدرسه

کلی است چه باطل برونه در یکی از روزهای دوشنبه

چهارشنبه در مرداد ماه دبیرستان مراجع و در لایه لایه

کلیه برونه با اداره آموزش و پرورش نامه فرستاده خواهد شد



بقیه از صفحه ۲

اصفهان

دراولین روز با زکشافی مدارس، در دبیرستان هراتی بین دانش آموزان مبارزو دانش آموزان مرتجع و ناآگاه درگیری پیش می آید. افراد مصلح کمیته به حمایت دانش آموزان مرتجع دخالت می کنند. در این حال دوسته دیگر در بیرون دبیرستان، و هر دسته به حمایت یکی از دو طرف (مبارزو مرتجع) با هم درگیر میشوند. دبیرستان تعطیل می شود و درگیری خاتمه می یابد.

گروهی از دانش آموزان هوا دار سا زمان طی اعلامیه مورخ ۵۸/۷/۱ پیامی به دانش آموزان

زان مبارزو ناآگاه فرستاده اند که در قسمتی از آن می خوانیم: " ما سال تحصیلی جدید را هنگامی آغاز می کنیم که خیلی چیزها را که بعد از قیام داشتیم، از دست داده ایم. ساواکی ها دوباره در مصدک راهتند و زمه تمقیه معلمان انقلابی در میان است. کتابها با همان محتوی وانگهی ارتجاعی تر... سال جدید ما بیشتر با مملکتی سرکار داریم که با افکار قرون وسطایی و عقب مانده خود، می خواهند قلم بظنان به علم و آه آورد تکامل بشر بکشند... و اگر رویشبان بشود، زمین را ثابت فرض می کنند."

و در جای دیگری می خوانیم: " مدارس را به میدان مبارزه تبدیل کنیم و به آگاهی دادن و کار در درون توده ها اهمیت بیشتری قائل بشویم. تا بتوانیم از توده های ناآگاه که موضع مغرمانه در مقابل نیروهای مترقی می گیرند، عده ای را بیطرف و عده ای را آگاه و به مواضع خلق بکشانیم. به کار توده ها برسیم و احتیاجات آنها را برآورده سازیم. با همکاری و اتحاد جبهه دشمن را ضعیف سازیم."

و در پایان اعلامیه می آید: "... همه جای در آگاهی دادن بگوئیم و اندیشه مل را بمیان توده های دانش آموز ببریم. جنگ تحمیل شده به خلقها را افشا کنیم. خلق کرده پشت جبهه نیاز دارد، اخبار دروغ و وقیحانه را دیسو و تلویزیون و روجا نیت را که از جماع توده ای نهایت سوء استفاده را میکنند افشا کنیم. در پاک کردن این افکار از ذهن مردم بگوئیم، نقش پاسداران کمیته ها، دادگاه های انقلاب و... را افشا کنیم. تا بتوانیم در ادامه انقلاب سهمی هر چند کوچک داشته باشیم."

اعلامیه با شعارهای زیر پایان میگیرد: زنده باد دلاوی خلقها. آگاهی ما من پیروزی است. مرگ برای امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی اش

نگاهی به مواد قانون اساسی محصول مجلس خبرگان

انقلاب شرکت جستند. خواهان آن بودند که در تمامی زمینه ها از قید و بند سرمایه داری وابسته به امپریالیسم رها گردند. به ستم ملی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و... بایستی پایان داده میشد. ایسین آن چیزی بود که خلقهای ایران میخواستند و تحقق آنرا در جمهوری می یافتند و بر این امید بود که بنوعی از آن رای میدادند. اما هیئت حاکمه با عنوان جمهوری اسلامی بدون مشخص ساختن مضمون و محتوای آن درصدد بود تا با تکیه بر توهمات و احساسات مذهبی توده ها، آنها را بپای صندوقها کناهنده و با سوء استفاده از احساسات مذهبی و اهداف نیک توده ها به رهائی از قید و بند ستم ملی و طبقاتی "توتو" قابل انکاری کسب کنند. آنها با این هدف که با استناد به آن و وسیع توده های ناآگاه، پیشرفت انقلاب را مانع گردد و دیدیم که همین کار را هم کرد. سپس از رای گیری مظلوم الحال با افسانه سازی ۲۹۸/۲ که به موقع از سوی نیروهای انقلابی ساختگی بودن آن افشا گردید، چماقی ساخت برای نیل به قدرت، انحصار آن در دستهای خود، مماشات و سازش با امپریالیسم و عمال داخلی آن. قدرتمندان جدید امروز نیز همین "بسترگ برنده" را در اصل اول گنجانده اند، بدون اینکه حتی از اصلی ترین هدفی که توده ها بخاطر آن انقلاب کردند و بخاطر آن به جمهوری اسلامی رای داده اند، یعنی اهداف دمکراتیک و فدا امپریالیستی آن اسی برده باشند. اما نمایندگان مجلس خبرگان عمل عجیب و غیرمنتظره ای را مرتکب نمی گردند. بلکه آنها تنها خط منی و سیاسی را که رژیم درست از فردای قیام بهمین ماه قدم به قدم دنبال کرده رسمیت میبخشد و آنرا قانونی می کنند.

از طرف دیگر اصول قانون اساسی می بایستی نهایت صراحت و روشنی را دارا بوده و راه را بر هر گونه تفسیر و توجیه ببندند

بقیه از صفحه ۸

گزارشی از مبارزات کارکنان کشت و صنعت گارون و ناآمنوع کارکنان سرکار خود برگردند. به این صورت جمعیت محل اجتماع را ترک میکنند. ولی آیا خواستهای کارکنان شرکت کشت و صنعت گارون توسط رئیس پاسداران برآورده خواهد شد؟ آیا وزارت کار رودیگر موه ساتی که کارکنان به آنجا مراجعه کرده بودند، مفید واقع شده بود که اینبار کارکنان شرکت منتظر

در حالیکه نمایندگان مجلس خبرگان در اصل ۱ با توسل به جمله ای کلی و مبهم از قماش "حکومت حق و عدل و قرآن" عمداً گریبان خود را از مسئله خلاصی داده و راه را بر تفسیر و توجیه های بعدی و ترک تازی قدرت مندانه حال و آینده باز میکنند تا آنها در مرحله حاضر با استناد به "حکومت حق و عدل قرآن" به چشم توده ها خاک بپاشند و بغارت و چپاول ثروت های ملی و بهره کشی و استثمار بی رحمانه زحمتکشان بپردازند. این امر وقتی با تمام وجود خود روشن میگرد که در حول و حوش بحثهایی که در مجلس خبرگان صورت میگیرد، شامل کنیم. بهنگام بررسی اصل اول بحثهای برآب و تاب در مجلس در میگرفت مبنی بر اینکه هرگونه خصلت طبقاتی انقلاب اخیر انکار نشود.

اصرار و تاکید فراوان بر این امر که گویا جنبش خلقهای ایران بیچوجه طبقاتی نبوده بلکه کاملاً اسلامی بود! همچنین موضعگیری شدیدی در قبال "جامعه توحیدی" که در پیش نویس آمده بود اتخاذ میشد و میبینیم که سرانجام این تلاش خستگی ناپذیر به نتیجه رسید و این عبارت از اصل اول حذف گردید. آنها با این دلیل که گویا، از این عنوان بوی "جامعه بی طبقه" برمیکسزد که کمونیستی است. آنها با این کار از یکسو ذهن علیل و دید سیاسی بسیار محدود و تنگ خود را به نمایش میگذارند و تلاش ارتجاعی خود را برای صد در صد اسلامی کردن قانون اساسی که کار را بدینجا میکشد که چشم را بر روی واقعیات مثل روز روشن نیز ببندند آشکار میسازند و از سوی دیگر تنفروانزجار عمیق خود را از جامعه بی طبقه و خالی از استثمار - حتی در قالب ایده ها و نظرات خیال پردازانه آن (جامعه توحیدی یا جامعه بی طبقه توحیدی) نشان داده و موضع وابستگی و خصلت طبقاتی خود را عیان می سازند.

برآورده شدن خواستهای خود از طرف یک پاسدار شده اند؟ آیا زمانیکه کارکنان با نتیجه بودن این صبر و انتظارشان روبرو شوند، یک قدم بیشتر در اینجهت پیش نخواهند رفت که فقط نیرو و همبستگی خودشان است که کارماز و کارگشا است؟ بیگمان چنین خواهد بود. آخرین خبر: روز دوم مهر حدود ۴ تن از کارکنان شرکت به اتهام "فدا انقلابی بودن از شرکت اخراج شده اند و اعتراض و مبارزه کارگران برای بازگرداندن همکارانشان ادامه دارد.

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما تاکنون با استفاده از کمکهای مالی بتدریج شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد و در حال حاضر با توجه به محدودیت های فراوانی که ارتجاع در پیش پای ما گذارده است، و با توجه به اینکه امکانات و کانسالهای علنی و نیمه علنی پس از قیام تا حد زیادی از بیسن رفته است، ما بیش از هر موقع دیگر نیازمند کمکهای مالی شما هستیم. در این مورد از هر طریق که می توانید ما را در پیشبرد اهدافمان یاری رسانید!

رفقای دانش آموزان!

اخبار مبارزاتی مدرسه و محیط تحصیلی خود را، با کمال دقت و با ذکر جزئیات و تاریخ آنها برای ما بفرستید.

اخباری از کردستان

مهاباد

روز سه شنبه ۵۸/۶/۲۲ هنگامیکه تعدادی از مردم در چهارراه آزادی مشغول خوانسندن اعلامیه بودند، یک ماشین پاسدار سومی رسد. یکی از پاسداران در حالیکه نارنجکی در دستش بود از ماشین خارج شده و بطرف مردم میرود. هنوز چند قدم برنداشته بود که بوسیله گلوله ضایعهای که از میان مردم به او تلیک شد، کشته می شود.

روز چهارشنبه ۵۸/۶/۲۸ مردم در چهارراه آزادی با نارنجک به ماشین پاسداران حمله می کنند. در این حادثه به کسی آسیب نرسید.

روز پنجشنبه ۵۸/۶/۲۹ عده ای از مردم مهاباد در جلوی فرمانداری دست به تظاهرات زدند و پس از مدتی با دخالت پاسداران و تیراندازی هوایی متفرق شدند.

روز شنبه ۵۸/۶/۳۱ حدود ۵۰ پاسدار ملحق به چهارراه آزادی می روند و کوچهای را که منزل شیخ عزالدین حسینی در آن واقع است، محاصره می کنند. عمر همین روز مردم مهاباد با نارنجک به پاسداران حمله می کنند که طی آن دو پاسدار کشته می شود. پس از حمله، پاسداران سعی می کنند با تلیک هوایی و رگبارهای پیاپی مردم را بترسانند و محیط ترس و وحشت ایجاد کنند. اما برای مردمی که حالا دیگر صدای رگبار جزئی از زندگی شان شده این تدابیر کهنه شده است. یکی از اهالی می گفت: "فقط روزهای اول کمی ترسیدیم، اما حالا هر قدر دلشان می خواهد، رگبار خالی کنند".

اخباری از ارتش ملی

گفته میشود یک گردان از پادگان لویزان (گارد) حدود دو هفته پیش بمسند مهاباد حرکت کرده است.

قرار است که دوباره افسران به پست های سازمانی (که قبلا در شعبات سوسط افسران اداره میشد و بعد از قیام توسط همافران) برگردانده شوند و در مواردی هم این جابجایی صورت گرفته که باعث سازمانی و عکس العمل مخالف درجه داران و همافران قرار گرفته است.

از طرف فرمانده نیروی هوایی عنوان شده است که از هر قسمت دو نفر سورا حد پیاکازی معرفی کنند ولی از طرف دیگر اطلاع حاصل شده است که اکنون لیسیت محرمانه ای از افراد مبارز درون ارتش تهیه شده تا در موقع مقتضی آنها را تصفیه کنند.

بقرار اطلاع، باقری (فرمانده نیروی هوایی) سعی خواهد کرد به پایگاه یکم سرود زیرا او خود نیز در زمان شاه فرمانده پایگاه یکم بود و توسط همافران و درجه داران

روز یکشنبه ۵۸/۷/۱ بدعوت بازاریان که حدود یک هفته است که دکانهاشان را تعطیل کرده اند، تعداد زیادی از دانش آموزان و مردم شهر در مسجد جامع اجتماع کردند. هر کس صحبتی داشت پشت بلندگو قرار می گرفت و صحبت می کرد. هنگامیکه یکی از بازاریان از ضعف ملت کرد صحبت می کرد و اینکه خودمختاری خواستیم بماند، حالا باید ادعای سنی بودن بکنیم و منتظر شویم ببینیم دولت این حق را برسمیت می شناسد یا نه. مردم به شدت اعتراض کردند. پس از او اشخاص دیگری درباره مفتی زاده و عملکردهای دولت افشاگری کرده و ماهیت خداستقامتی هیئت حاکمه را بر سر مساله نمودند.

روز دوشنبه ۵۸/۷/۲ حدود ۵۰ نفر دانش آموز دختر و پسر دست به تظاهرات زدند و به مسجد جامع شهر رفتند. (قبلا نماینده نخست وزیر و فرماندار استعفا می دادند و دولت وعده ای از مردم به مسجد رفته بودند) در این روز با مردم از پشت بلندگو خواستهای بحق خلق کرد را بیان می کردند و راجع به ماهیت دولت افشاگری می نمودند. وقتی فرماندار ضمن سخنانش گفت که باید از راه عقل و منطق ... به نتیجه برسیم، جمعیت بیچاره به او اعتراض کردند. آنها همچنین خواستار بازگشت عزالدین حسینی به مهاباد شدند.

سنتیاج

روز دوشنبه و سه شنبه دوم و سوم مهرماه دانش آموزان سنتیاج دست به تظاهرات میزنند و طی آن خواستار خروج پاسداران، اعدام خلخالی و تشکیل شوراهای مدارس می شوند. آنها همچنین خواستار آن شدند که از اجراج معلمان مبارز، زیرنام فریبکارانه "پاکسازی" جلوگیری شود.

داران در جریان قیام دستگیر و به کمیته تحویل داده میشود. ناگفته نماند کسسه فرماندهی پایگاه شکاری یک پست حساس است و رژیم شاه مطمئن ترین افرادش را به پایگاه میگماشت.

با اینکه شوره های درون ارتش تحت فشار فرماندهان و عناصر ضد انقلابی منحل شده، هم اکنون خود دولت بخاطر جو موجود در ارتش "مثنوی" تشکیل شوره های در ارتش شده. البته واضح است که این توره ها تفاوت ماهوی خواهد داشت با شوره های که در جریان قیام بوجود آمدند و تیلور اراده بیستل انقلابی ارتش بودند. شوره های که اکنون دولت در پی تشکیل آنهاست و شوره های است صفی که در عین حال در آینده ای نه چندان دور وظایف دیگری بر سرعه خواهد گرفت. وظایفی از قبیل جاسوسی، خپل چینی، اعمال سیاست های ارتجاعی بنام پوزنل ارتش و ... البته با حفظ وجهه بظاهری ارتش "ملی". ولی با این حال هیئت حاکمه سعی میکند قادر شود حتی در شوره های را هم تحمل نخواهد کرد.

روابط یا ضوابط؟!!

چگونه خون یک جوان بیگناه پایمال می شود

از بدو روی کار آمدن رژیم کتونی، دانش در بوقهای تبلیغاتی دمیده شده که دیگر دور "روابط" برای انتخاب سبزی شده و اکنون "مواظ" است که حکومت میکند و انتخاب املاح است که مورد نظر می باشد. اما هر روز که از عمر رژیم سپری شد مردم بیشتر دریافتند و در میابند که چقدر وعده های سردمداران شنی و بی محتوا بوده است و چقدر روابط کما فی السابق بر روابط رحمان دارد. به توصیه نامه زیر که از طرف "سنتیاج" عملیاتی انقلاب اسلامی قم "برای آقای کاو" زبان، دادستان شیراز، ارسال شده است توجه کنید:

تاریخ: ۵۸/۶/۴ ستاد انقلاب اسلامی

شماره: ۱/۶۹۶ بسمه تعالی

جناب آقای کاو وزیران دادستان محترم شیراز نام توفیق.

ضمن تقدیم سلام، در زمینه بازداشت پاسداران مرودشت با توجه به اینکه کمیته مرودشت موردتأکید مهاباد شیراز بوده و مهاباد موردتأکید کمیته مرکزی تهران، و هنگام انجام ماموریت قتل واقع شده، مقتضی است فرار منع تعقیب آقایان صادر شود و بعد از رسیدگی دقیق به پرونده، در صورتیکه دلالت کافی برای قتل عمد باشد تعقیب فرمائید با تقدیم احترام بسمه تعالی

ستاد عملیاتی انقلاب اسلامی قم امضا ۱۳۵۷

قم میدان آستانه مقابل شیخان لازم به توضیح است قتل که درباره آن در توصیه نامه صحبت میشود توصیه میگردد که قاتلان را رفع زحمت کنند، بدنبال اقسام جنایتکارانه ای در مرودشت اتفاق می افتد و طومار زندگی جوان برآمیدی را پاره میکند. جریان واقعه به اختصار چنین است که جوان مذکور برای دعوت آشناهایش از عشاء پیربه جشن عروسی اش به دعوت اطراف می رود و ارتجاع که از نمایان با این عشاء بیروحت دارد این جوان را بقتل رساند. کمیته ای که مرتکب این جنایت میشود ریاستش با شیخ خدائی می باشد. (برای اطلاع از مشروح خبر به پیکار ۱۹ مراجعه کنید.)

بقیه در صفحه ۶ اعدام فاشیستی ...

کردن درباره ترور شاه بقتل میرساند. و این میوه چینیان نیز به جرم "طرح انفجار" و نه خود انفجار و جرم "تمهید مقدمات قیام" و نه خود قیام، جوانان عرب خوزستان را در مقابل آتش جوخه های اعدام قرار می دهند، آنها پشت درهای بسته، بدون محاکمه، بدون تنظیم کبر خوست و بدون اینکه کوچکترین امکان برای دفاع بوده باشد، سنگشان با د

خلق کرد خود مختاری می خواهد نه جنگ

اندام فاشیستی انقلابیون

خلق خوب

"این کرکسان گرسنه را بنگر، کجا می روند؟ در بهایان چیزی نیافتند تا ببلند، اما دادگاهها طعمه شان خواهند داد."

(پرشت)

بدنبال انفجاری که در قطار مسافربری خرمشهر-تهران رخ داد و طی آن هشت تن از هموطنان ما کشته و عده ای زخمی به جای ماند، حادثه ای که تاسف و انزجار خلق ما را برانگیخت، بمفاصله چند ساعت هشت نفر از اهالی عرب خوزستان بسه جوخه های اعدام سپرده شدند. کمال بی خردی است اگر چنانچه اقدامات تروریستی نظیر بمب گذاری در قطار مسافربری به انقلابیون راستین عرب نسبت داده شود. هیئت حاکمه نیز با تمامی سنی که دارد، نخواهد توانست این ومله ناجور را به انقلابیون عرب بچسباند. تا با تمسک بدان، که بی گمان کار همان ساواکی هائی است که خود، آزادشان گذاشته است، جوانان عرب را دسته دسته روانه مسلخ کند و در عین حال فریبکارانه دم از عدل و داد بزند.

مردم ایران بخوبی میدانند که رژیم شاه نیز بمنظور انتقام کشتی، دست باینگونه کشتارهای جمعی میزد. اعدام ۹ رزمنده و انقلابی در تپه های اوین نمونه ای از این انتقام گیریها بود. و اکنون هیئت حاکمه و جلادانی چون مدتی و چندا خوندمرتجع بخيال خود شان با بدست آوردن بهانه مناسب، ۸ تن از فرزندان عرب را بدون رعایت حداقل موازین انسانی به گلوله بستند. اینکجرم آنها چه بوده؟ در کدام دادگاه و طی چه محاکماتی به اعدامشان محکوم کرده اند؟ اصولاکی و کجا و به چه دلیل دستگیر شده بوده اند هیچکدام روشن نیست. توفیعی که دادستان دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر در مورد این کشتار وحشیانه داده است نمایانگر اوج بربریت این جلادان است وی میگوید که این هشت تن "همگی به جرم ارتباط با عوامل بیرون مرزی وطنی دوره های چریکی و شهیدمقدمات قیام مسلحانه، طرح انفجار خط راه آهن خرمشهر و جاهای نفت محکوم به اعدام شدند. توجه کنید به کلمات به کار برده شده و مقایسه کنید با وهائی که رژیم خونخوار شاه ساواک در مورد جنایاتش تحویل مردم می داد. دلایل اعدام را بنگرد: "ارتباط با عوامل بیرون مرزی! مردم ما می پرسند کیستند این عوامل بیرون مرزی؟ اگر یکی به گفتشان نیست، چرا از معرفی این "عوامل" خودداری کرده توده ها را در مقابل خطرات این "عوامل" آگاه نمی سازند؟ واقعتا اینست که چنین "عواملی" وجود خارجی نداشته و تنها وسیله ای است برای پوشاندن ماهیت این "کرکسان گرسنه" و دروغی است برای فریب مردم.

رژیم پهلوی نیز کلسرخی ها را بجرم فکر بقیه در صفحه ۵

ایشست که مذهبی نبودن نزیه (۵) البتسه آتطور که مورد نظر رهبری روحانیت است، و وابسته بودن و با طرفداری آشکار وی از آیت الله شریعتمداری، که این خود با توجه به اختلافات روز افزون وی با جناح حاکم روحانیت باعث خشم آیت الله خمینی شده است کافی است تا حکم به برکناری نزیه داده شود. مصافح بر اینکه "دعوا بر سر درآمد نفت" و مقاومت نزیه در مقابل فشار روحانیون حاکم و دفاع وی از منافع دراز مدت بورژوازی در برابر حرص و ولع خرده بورژوازی مرتجع، او را "منفور" تر کرده بود. نزیه این واقعتا را با گفتن اینکه حاضر نشده است "توقعات نامشروع مدعیان را" بر آورد توضیح داد (بامداد ۷/۱۲) تغییر دیگری که در کابینه بازرگان صورت گرفت در مورد فروهر بود. وی که با اعتبار مواضع فاشیستی و ضد کمونیستی شدید خویش و سازش با ارتجاع مذهبی هنوز در کابینه حضور دارد، با احتمال زیاد صرفاً بدلیل مذهبی نبودنش از من به حاشیه کشیده شد. و اما چمران، که همه نیروهای گاه با پیشینه رسوایش آشنا هستند (بیکار ۱۵) بعنوان یکی از مستعدین امام بر کرسی وزارت دفاع تکیه زد. در این مورد جالب است که متذکر شویم زچندی پیش او به سوژه تبلیغاتی رادیو و تلویزیون قطب زاده (هم باند وی) و بارهای از مطبوعات ارتجاعی بدل شده بود، و مقام در باره "نیوغ نظامی" وی و "رشادتهائی" که در کشتار خلق کرد از خود نشان داده است، چه چیزها که گفته و نوشته شد! آخر میبایست ذهن مردم را آماده پذیرش "جوجه تاپلثونی" که قرار بود بر مسند وزارت دفاع تکیه زند مینمودند. چمران در عین حال آن چهره مناسبی است که ارتجاع خرده بورژوازی و بورژوازی (لیبرال و وابسته) را در یک نقطه مشترک بر سر حال بهست وزارت دفاع به او، بی وحدت رسا نید. چه اینکه چمران، در درگیری کردستان در موضع فرماندهی عملیات، با اقدامات سرکوب گرانه و وحشیانه خود نه تنها رضایت روحانیت را فراهم ساخت، بلکه چمران بورژوازی را نیز خیره ساخت و تمام جناح های هیئت حاکمه مرور-انه برایش کف زدند و اقدامات "قهرمانانه" او راستودند.

خلاصه کنیم، در حال حاضر، ترکیب فعلی کابینه با زرگان، برخلاف آنچه هیئت حاکمه عنوان می کنند "یکدست" نبوده و ترکیبی است از عناصر نهضت آزادی (بورژوازی مذهبی) از یکطرف و باندمتوگ متشکل از مبره های مورد اعتماد قشر ممتاز روحانیت از طرف دیگر، که با تکیه بر همدیگر سرپا بسته اند. اما آنچه از نقطه نظر منافع توده های مستعبدیده ما مطرح است، این است که این ترکیب علیرغم یکدست نبودن سیاست واحدی را در جهت استحکام موقعیت امپریالیسم در ایران به پیش می برد و اینرا در تمام عملگردهای اساسی شان می توان مشاهده کرد.

۵- اشرافی دز یکی از سخنانیهای خود آشکارا اعلام کرد: نزیه از همان زمان که گفت اسلام را نمیتوان در همه جا پیاده کرد، باید کنار گذاشته می شد (نقل بمعنی)

بقیه از صفحه ۱
"سخنی پیرامون تغییر کابینه"

ممتاز روحانیت به دولت با ارتقاء آنان به حساس ترین پستها، عملی میگردد. بدیهی است حضور این "مهره های مورد اعتماد" در سطوح بالای تصمیم گیری با توجه به بیلایان کار و عملکردشان طی مدت پس از قیام، موجبات خوشنودی و مسرت خاطر امپریالیسم را فراهم می کند.

کنار گذاشتن سنجابی غیر مذهبی با کمتر مذهبی و گماردن یزدی، معاون وقت نخست وزیر و همچنین بر کردن جای خالی وی با چمران و به معاونت نخست وزیر رسیدن طباطبائی، یکی دیگر از عناصر باند معروف مشکوک، سپهراندن مبشری (باز هم کمتر مذهبی) وزیر وقت دادگستری و صمود صباغیان از سمت معاونت نخست وزیر به وزارت کشور مسئله تغییراتی بود که تا قبیل از چهارمین ترمیم صورت پذیرفت، که اینک با کنار گذاشتن نزیه، به حاشیه راندن فروهر از متن، گماردن چمران در پست وزارت دفاع کاملتر شد. تاسیس وزارت جدید نفت، مهم ترین تغییری بود که همزمان با آخرین ترمیم عملی گشت.

این تغییر و تبدیل را میتوان به معامله های سیاسی - اقتصادی بین خرده بورژوازی راست و مرتجع و بورژوازی مرتجع تشبیه کرد که تاجر و کوته نظری اولی و "کاردانی" و سیاست بازی دومی، معامله را بمود دومی بسر رساند: بورژوازی در مقابل هر چه بیشتر مذهبی شدن چهره دولت و کنار گذاشتن عناصر غیر مذهبی و یا کمتر مذهبی، توانست با تاسیس وزارت جدید نفت این منبع سرشار درآمد را که قشر ممتاز روحانیت قصد داشت در کنار اوقاف و بنیاد مستضعفین و... آبراه قبول شخصی خود بسدل کند، کاملاً در دست خود گرفته تا با استفاده از آن سیستم اداری و اقتصادی خود رابسه منظور سرکوب زحمتکشان و تشبیت وضع موجود سامان بخشد.

اینکه هیئت حاکمه سعی دارد علت اصلی مورد غضب واقع شدن نزیه را با اصطلاح خودداری وی از تصفیه عناصر فاسد رژیم گذشته و غیره قلمداد کند، فریبی بیش نیست. (رجوع کنید به مقاله "دعوا بر سر درآمد نفت!)" (بیکار ۲۲) در غیر اینصورت چرا فریادهای کارگران و کارمندان آگاه نفت که از چند ماه پیش تا کنون از دست نزیه ضد کارگری بلند است بجاشی نرسید، و آقای اشرافی رندان کوشش کرد که افشای مواضع بورژوازی و سازشکارانه (سازش با سرپرندگان رژیم قبلی) او را بحساب خود بگذارد. اگر واقعاً اختلاف با نزیه بر سر عدم تصفیه عناصر فاسد رژیم گذشته از جانب وی می باشد، چرا به اینهمه فریاد روزمره کارگر و کارکنان وزارتخانه ها و کارخانه ها که مدام خواستار تصفیه عناصر فاسد رژیم گذشته هستند توجه نمی شود؟ در مقابل آنها "عدانقلاب"، "اخلالگر" و..... خوانده میشوند. اما واقعتا چیست؟ واقعتا

زندگی سرشار از مبارزه رفیق شهید بهمین عزتی چون شهادتش سرخ و شکوفان بود



رفیق شهید بهمین عزتی، در سال ۱۳۲۷ در روستای افغانستان کرمانشاه، متولد شد. پس از آنکه دبیرستان را به پایان رسانید، در مدرسه سعادت کرمانشاه بطور روزمزد به تدریس پرداخت. او به مصلی عشق می - ورزید و بهمین دلیل بعد از آن که لیسانس تاریخ خود را از دانشگاه تهران گرفت و در سال ۵۴ به دبیری در دبیرستانهای کامیاران پرداخت.

رفیق با عشقی فراوان به خلق خدمت میکرد. او در تمامی سالهای تدریسش در دبیرستانها و مدارس کامیاران و کرمانشاه، تنها یک دبیر نبود، بلکه با شاگردان خود رابطه عمیق و رفاقت پرشوری داشت. در مدرسی که درس میداد کتابخانه داشت می - کرد. شاگردانش را در مسافرتها و اجتماعات با زندگی مردم آشنا می - نمود. به مسائل و مشکلاتشان با غمخواری میرسید، و با تمام وجودش برای آنان کار میکرد. رفیق، بسبب عشق پرشورش به خلق و خصال انسانی که داشت، چهره ای مردمی و مورد اعتماد بود که مردم برای حل مسائل - شان، و مشورت و گره گشایی، همواره به او مراجعه میکردند، بطوریکه پیوند محکمی میان او و مردم زحمتکش محیط زندگی اش برقرار شده بود. عمق این پیوندهای انسانی آنچنان بود که چند تن از شاگردانش، آنگاه که خبر اعدام غیرانسانی و ناجوانمردانه او را بدست دژخیمان فد انقلاب شنیدند، تاب نیاورده و دست به خودکشی زدند! رفیق از بسیار دگدازان جمعیت دفاع از آزادی زحمتکشان کامیاران بود که در ایجاد اتحادیه های دهقانی روستاهای (شه لک) و (صارم آباد) و ... سهم عمده ای داشت.

رور سه شنبه ۵۸/۶/۲۵ به جوخه آتش سپرده شدند. رفیق در آخرین لحظات زندگی پرشورش شجاعانه میخواست چشمانش بار باشد تا رفقایش را ببیند و زحماتش بر خود بگذراند و هنگامیکه رگبار گلوله های ضدانقلاب سینه پریش را شانه رفت او از اعماق دلش سرود میخواند و فریاد برمیآورد (کی نه له کورد، مردوه)، (کرد هرگز نمی میرد). آری، مبارزان راه خلق هرگز نمی - میرند. شهادت رفیق بهمین عزتی، خشم و نفرت عمیق و ناشی آتشین در قلب آنانکه او را میشناختند، در قلب تمامی زحمت - کشان کامیاران که با او ریسته بودند، و در قلب تمامی کسانی که از این جنایت آگاه شدند، ایجاد کرد. "پدرش می گوید: "او چیزی نداشت که ما را بیادش بیاندازد. تمام دارائیش رختخواب او در کامیاران است". بهمین نموده است. در قلبهای ما زنده است و مبارزان راه خلق، ادامه زندگی او هستند، زندگی یافته از زندگی و مرگ او یادش گرامی باد.

جمعیت به سبب فعالیت های خود آنچنان با توده زحمتکش رابطه برقرار کرده بود که کارگران بیکار کامیاران تقسیم وام بیکار - ری خود را بسبب جمعیت سپردند. رفیق و سایر رفقای جمعیت با عشق و علاقه اینگونه مسئولیتها را میبپذیرفتند و انجام میدادند رفیق بهمین سایر رفقای انقلابش در مبارزات کارگران کامیاران برای احقاق حقوقشان شرکت فعال داشت. رفیق همچنین در سازماندهی مبارزات مردم - مریوان در مقابل یورش رژیم ضدانقلاب، نقش شایانی داشت. مبارزات یکپارچه ای که ارتش را وادار به عقب نشینی نمود.

بندینگونه، رفیق شهید بهمین عزتی، در هر یک از ایام زندگی حیات بخش پر - خروش، چهره ای بویا و انقلابی داشت و قلبی سرشار از عشق به زحمتکشان. هنگامی که درگیری های باوه بوشوع پیوسته بود، رفیق بهمین دکتر و شونقدر قصد داشتند دارو و وسائل پزشکی به پایاوه برسانند. برای این منظور آنها ساعت ۲ بعد از ظهر ۶/۱۷/۶۰ از کامیاران حرکت کردند. (که این خود دلیل سر عدم شرکت آنان در درگیری های باوه برحلاف ادعای دروغس حاکم شرع! است). این دو رفیق روز بکشید در فوری قلعه دستگیر شدند. آنها را با یک تا کربن کش به رواسر بردند. و پس از دو روز اسارت با آنها مامات واهی و تسبیح محرم عشق آتشین به زحمتکشان و مبارزان قهرمانانه در راه خلق بهمین عده ای دیگر از انقلابس، سحرگاه

گرامی باد خاطره رفیق شهید کاک حسین پیر خضری

"کاک حسین پیر خضری" یکی از اعضا - برجسته، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان بود که توسط خلخالی هیتلر همراه با برادر بزرگترش و ۵ نفر از مبارزین مروان و بیگ رزمنده، تهرانی به جوخه اعدام سپرده شد. کاک حسین از کسانی بود که اردوان کودکی با دهقانان بزرگ شده و بهمین جهت خدمت بسبب زحمتکشان جزو گوشت و پیوست او شده بود. سالها در دهان اطراف دیواندره به معلمی مشغول بود و بعد از مدتی به دهات مروان رفت. پیوند او با زحمتکشان چنان عمیق بود که مرتجعین مطی جرأت حمله مستقیم به او را نداشتند و همیشه در فکر توطئه علیه او بودند. حتی چندسار از جانب مرتجعین مطی در معرض خطر مرگ قرار گرفت ولی هربار با برخورداری از جلالگی و زندگی خاص زحمتکشان، سالم از میلهک فرار کرد. او چنان با زحمتکشان جوش خورده بود که مردم او را به اسمیاتی ارفقیبل "لاله"، "دانی" "مامه" (محرف عموی) خطاب می کردند. در بیان مسائل سیاسی بزبان ساده و توده ای، استاد برجسته ای بود و مشکلات تربیت مسائل اجتماعی را با ضرب المثل ها و تمثیل های توده ای بیان می کرد. او "محبسین اعمال" - سه کلمه سی جوانیاران" و مسئول سازمان اتحادیه در شهر مروان بود. دهقانان در مسائل و مشکلات خود با او مشورت می کردند، و بهمین جهت مسورد کینه و دشمنی مرتجعین و فئودالهای شرور محلی قرار گرفته بود. سرانجام هم با توطئه و همکاری آنان بدام دادگاه صحرایی خلخالی ضدبشر افتاد و بطرز وحشیانه ای بعد از شکنجه فراوان بدون هیچ محاکمه ای شریاران شد. (تلفیخ از اعلامیه ۵۸/۶/۱۹ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان)

چهل روز گذشت...

ای مرغهای طوفان! پروازتان بلند،
آرامش گلوله سربی را
در خون خویشتن
اینگونه طاشقانه پذیرفتید،
اینگونه مهربان

نهم مهر ماه مصادف بود با چهلمین روز شهادت دکتر رشوند سرداری و دیگر - رزمندگان که در این روز در پایاوه به جوخه آتش سپرده شدند، و ۱۵ مهر ماه مصادف با چهلمین روز شهادت دلاوران و انقلابیونیکه در این روز در یادگان سقز توسط عوامل رژیم ضد خلقی حاکم اعدام شدند و ... قدرت حاکم کورد دلانه می پندارد که با اعدام انقلابیون همه چیز تمام می شود دولت سرمایه داری و یاران مرتجعش نمی توانند

بفهمند که چون رزمندگان انقلابی، بسا از زحمتکشان هستند و یا از ستم بی پایانی که بر زحمتکشان روا می شود، الهام می - گیرند، این چشمه خشک شدنی نیست. اما تو ای شهید!
تو ای شهید
راضی تراب تو، دشمن
چه ضجه ها که نکرد
چه حمله ها که نیست
تو بودی و آتش
و لخته های قرمز خون
و گره غریب و تنهایی
بعد از تو دشمن بسار کسید، نام ترا از پیاده ها ببرد و راه را در کورگه جلوه دهد
اما
خاکستر ترا
باد سحرگهان
هر جا که برد،
مردی ز خاک روئید.

گزارشی از مبارزات کارکنان کشت و صنعت کارون

چندی قبل مدیریت جدید کشت و صنعت کارون عده‌ای ارتکارکنان مسرور و اغصابی آن شرکت را به بهانه تصفیه و اینکه ما زاهد احتیاج هستند، اخراج می‌کند. کارکنان که از یکطرف شاهد ابقای افراد نامالح و شناخته شده رژیم مزدور شاه در پستهای حساس و از طرف دیگر استخدام و جایگزینی افراد مبتدی و بی‌شخص بجای کارکنان اخراجی بودند، دست به اعتراض می‌زنند. مدیریت شرکت دردیچه (یکی از روستاهای نزدیک شوشتر) جواب اعتراضی را، هر چند کوچک با اخراج ویا تبعید به سایر قسمتهای شرکت پاسخ می‌گوید و به این ترتیب چنان فضای اختناق و وحشتی ایجاد میکند که بقول کارکنان شرکت، سرهنگ افراسیابی معدوم، رئیس حفاظت شرکت در زمان شاه‌خاثن روسفید می‌شود! و چنین است که کارکنان انبارها از صبح روز ۵۸/۶/۲۱ بعنوان اعتراض به اخراج همکارانشان ونحوه عملکرد مدیریت جدید دست از کار می‌کشند. با انتشار این خبر، اشتری رئیس حفاظت که حالا به آن حراست! می‌گویند با عجله بمراف کارکنان را اعتصابی می‌رود و به کمال بیشرمی می‌گوید: کدام کره‌لاغی شما را اینجا جمع کرده! (می‌بینید؟ برخورد بقدری زنده است که انسان بی اختیار زمان قبل از قیام را برایش تداعی می‌شود و سرهنگ افراسیابی را در هیئت اشتری می‌بیند!)

کارکنان که خود را با چنین موجودی مواجه می‌بینند او را بیادنا سزا می‌گیرند و از محوطه بیرون می‌اندازند. پس از رفتن وی، کلاهدوز قائم مقام مدیرعامل دردیچه پیش کارکنان می‌رود و با تهدید از آنها میخواهد که به سرکار خود برگردند. کارکنان به حرفها و تهدیدهای او توجهی نمی‌کنند. پس از مدتی پرده سوم آغاز می‌شود و افرادی از طرف کمیته را بسط اسلامی کارون مستقر دردیچه نزد کارکنان می‌آیند و اخطار می‌کنند که: "اگر سرکارهای خود باز نگریدید با زور شما را می‌فرستیم." کارکنان همچنان با عزمی راسخ به اعتصاب ادامه می‌دهند. پس از صرف نهار، در ساعت اربعه از ظهر مقابل اداره مرکزی شرکت اجتماع میکنند. اینبار تعداد زیادی از کارکنان قسمتهای مختلف به آنها می‌پیوندند. در این هنگام کلاهدوز بسمیان جمعیت می‌آید و با شیرنگ و فریب سخنان خود را از اسلام و انقلاب اسلامی شروع میکند و اینکه عمل شما برخلاف خواست رهبر انقلاب است و شما نباید اعتصاب کنید و در این موقعیت حساس هر اعتصاب کننده‌ای فسد-

انقلاب است و... اما این خربه بدلیل روشن بودن ماهیت مدیریت جدید برای کارکنان بوشه واقع نمی‌شود. کارکنان خواهشهای خود را که از جمله تشکیل شورا و اخراج مدیریت جدید بود، مطرح میکنند. کلاهدوز می‌گوید: "اگر شورا زیر نظر مدیریت باشد و در کار آن دخالت نکنند قبول داریم، ولی اگر می‌خواهید شورایی تشکیل بدهید که در امر مدیریت دخالت کند، من با این جور شوراها مخالفم و نمی‌گذارم چنین شورایی تشکیل شود. در مورد اخراج مدیریت جدید هم، اگر من از اینجا بروم

کسی بدتر از من می‌آید، دولت فرشته ندارد که بجای من براق سنا بورد. مرس بجای من بیاید، از من بدتر است." کارکنان که می‌بینند در جواب خواهشهای آنها مزخرف می‌گوید، جواب می‌دهند: "همگی شما فدا انقلاب هستید، شما سرمایه داران خون ما را می‌مکید، شما آدمهای دروغگو و بی‌شرفی هستید." آنگاه جمعیت با مشتهای گره کرده و شعارهای "مرگ پراشتتری مرگ بر کلاهدوز، مرگ بر افلاطون" بطرف کارخانه

مشت کارگران بلند و فریاد: "اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار... انگشت پاسداران روی ما شه ۳ و ولوله آن به سمت کارگران

حرکت میکنند. نزدیکیهایی کارخانه شعار خود را به صورت زیر تفسیر می‌دهند: "مرگ بر سه مفسدین کارون - اشتری، کلاهدوز، افلاطون." تظاهرات کنندگان در حالیکه کارخانه را دور می‌زدند، شعار می‌دادند: "درما در شما است، ملت شما ملحق شوید" یا "پيام طالقانی، شهادت است و شورا". جمعیت لحظه به لحظه زیادتر می‌شود، آنگاه کارخانه را بقصد رفتن به قسمتهای دیگر شرکت ترک میکنند. پس از سرزدن به سایر قسمتهای شرکت و تعطیل شدن آن قسمتها، همگی در میدان پیروزی اجتماع می‌کنند. (میدان پیروزی، محل تجمع پیروزمند مهرماه گذشته بود و آسمان درست در سالگشت آن و با وجودیکه رژیم مزدور شاه سرنگون شده اما چون روابط ظالمانه همچنان با برجاست، آنها ناگزیرند برای بررسی راههای گرفتن حقوق پایمال شده شان با زهم در همان محفل اجتماع کنند.)

ابتدای یکی از کارکنان سخنرانی افشاگرانه‌ای می‌کند و پس از آن قطعاتی که خواهشهای کارکنان را بیان میکرد، قرائت میشود. آنگاه با این قرار که روز بعد ۵۸/۷/۱ هیچکس سرکار نشود و در همان شیدان پیروزی جمع شوند، محل را ترک می‌کنند. اما جمعیت چنان کینه و نفرتی به مدیریت داشت که با شعار "مرگ بر کلاهدوز" بطرف ساختمان اداره مرکزی که دفتر کلاهدوز و اشتری در آن قرار دارد حرکت می‌کنند. ورود آنها به ساختمان موجب تعطیل تمام آن قسمت میشود. کلاهدوز با وقاحت تمام کنارینجره اطاق خود می‌بستد و از جمعیتی که علیه او شعار می‌دادند، سنان می‌بیند. جمعیت با شعار: "مرگ بر کلاهدوز، کلاهدوز اخراج باید گردد." اداره را ترک می‌کنند.

کارکنان روز ۵۸/۷/۱ در مقابل اداره مرکزی اجتماع میکنند. ابتدا اعلامیه‌ای از طرف فرمانداز شوشتر بین آنها پخش می‌شود بدین مضمون: "عده‌ای فدا انقلابی و عمال خارجی شما را تحریک می‌کنند تا این واحد بزرگ تولیدی را بپوششگی بکشند و دولت انقلابی را تضعیف کنند." اغلب کارکنان اعلامیه‌ها را پاراه می‌کنند و با فریاد می‌گویند: "ما فدا انقلابی نیستیم، ما فقط از حقمان دفاع می‌کنیم." پیش از شروع اعتصاب و هنگامیکه تازه زمزمه آن آغاز شده بود، افراد کمیته اسلامی که خود از

کارکنان شرکت هستند ولی آگاهانه و ناآگاهانه در خدمت سرمایه داران درآمده اند، جلوسرویسهای کارگران را می‌گرفتند و می‌گفتند: "کارمندان می‌خواهند با اعتصاب خود، کارخانه را تعطیل و شما را بدبخت کنند، شما در اعتصاب شرکت نکنید. مدیریت شرکت اطلاعیه داده که می‌خواهد ۱۸۱ ربال بشما اضافه حقوق بدهد. (این مبلغ یکی از خواهشهای کارکنان است که شرکت می‌بایست از اول فروردین ماه ۵۸ پرداخت می‌کرد ولی تاکنون از آن خبری نشده است.) و به این ترتیب می‌خواستند بین کارگران و کارمندان تفرقه ایجاد کنند و آنها را بر علیه

کارمندان بشورانند. اما کارگران که صداقت و دوستی کارمندان را در اعتصاب سال گذشته تجربه کرده بودند به حرفهای آنها توجهی نکردند و عده‌ای از آنها در اعتصاب شرکت جستند. حدود ساعت ۱۶ صبح یک دسته پاسدار مسلح بطرف جمعیت می‌آیند. در این هنگام یکی از کارکنان بلند می‌شود و با صدای بلند داد می‌زند که: "دوستان نترسید، ما ۶۰ هزار کشته دادیم و با زهم می‌دهیم، نترسید، انسان یکبار متولد می‌شود و یکبار رهم می‌میرد. بگذارید ما کشته شویم تا دیگران راحت گردند و وزیر بار ظلم و ستم نباشند." جمعیت همه می‌نشینند. پاسدارها با حالت مسخره و به سبک پلیس آریامه‌ری دور جمعیت حلقه می‌زنند. انگشت دستها روی ما شه

۳ - ولوله آن بطرف کارگران. در این موقع سرپرست پاسداران به جمعیت نزدیک می‌شود و عده‌ای دور او حلقه می‌زنند. وی خود را خلف رضائی، رئیس پاسداران اعزامی از طرف دادستان انقلاب اسلامی در قول معرفی می‌کند، که آمده است تا به اعتصاب کارکنان کشت و صنعت کارون خاتمه دهد. کارکنان سخت به او اعتراض می‌کنند که این چه حرکتی است که شما انجام می‌دهید، مگر ما اسرا تلبلی هستیم که مصلح و آنها بحالت هجوم دور ما گرفته‌اید؟ چرا شما مانند رژیم سابق به حرف سرمایه داران گوش می‌دهید؟ رئیس پاسداران وقتی با چنین صحنه‌ای روبرو می‌شود، کمی خجالت می‌کشد و می‌گوید: "والله من نمی‌دانم، شما گفتند بروید اعتصاب را خاتمه بدهید. آنگاه ما فدا می‌کنند که: "ما امام اعتصاب و کم‌کاری را حرام کرده و شما نباید دست از کار بکشید و با کم‌کاری کنید، شما می‌توانید از راه اداره کار و با سربازان به خواهشهای خود برسید." هنوز حرفش تمام نشده بود که کارکنان با صدای بلند می‌گویند: "ما شماست که به همه جا شکایت کرده‌ایم و خواستار بازگشت همکاران اخراجیمان شده‌ایم، ولی هیچکس بدها ما نرسید."

پس از مدتی بحث و گفتگو، قطعاتی که به نگر خواهشهای کارکنان بود خواننده می‌شود، که چند بند مهم آن عبارتند از:

- ۱ - اخراج مدیریت شرکت دردیچه
- ۲ - بازگشت کارکنان اخراجی
- ۳ - تشکیل شورای کارکنان و...

رئیس پاسداران تهدیدکنی می‌دهد که تا ۱۶ مهرماه، خواهشهای آنها را برآورده کند بقیه در صفحه ۴

بخشنامه‌های ضد کلرگری دولت و مقاومت کارگران

دولت ضد انقلاب، در ادامه منطقی تصمیمات و سیاستهای ضد کلرگری، بخشنامه ای صادر کرده است دایر بر اینکه تعطیلی پنجشنبه‌ها میبایستی در کلیه کارخانه‌ها لغو شود و در عوض ساعت روزانه کار از هشت ساعت به هفت ساعت تقلیل یابد. پنجشنبه‌ها هم ساعت کار ۵ ساعت باشد. یکی از دلایل این تصمیم ضد کلرگری اینستکه دولت سرمایه‌داران معتقد است که کارگران در ساعت هفتم به علت خستگی دارای بازده کار مناسب نیستند. آری منطق سرمایه‌داری همواره در مقابل منطق زحمتکشان قرار دارد. کارگران میگویند ۴ ساعت در هفته، و بورژوازی شما می‌ترجمین میگویند، ۴۸ ساعت کار در هفته، آنهم کاری که حداکثر ارزش اضافی را بدست دهد. اما میوه چینیان انقلاب که گمان میبرند که حتی را که کارگران از حقوق رژیم شاه بیرون کشیده‌اند اینها توان بازپس گرفتنش را خواهند داشت، کور خوانده‌اند! اولین عکس العمل های کارگران گویای این حقیقت است:

پالایشگاه آبادان

در پی بخشنامه دولت مبنی بر لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها در تاریخ ۵۸/۷/۲۴ بخشنامه‌ای از طرف هیئت رعیسه پالایشگاه و خدمات آبادان صادر گردید که بلافاصله توسط کمیته نمایندگان منتخب کارگران پالایشگاه اطلاعیه‌ای صادر و بطور وسیع در مقابل بخشنامه ضد کلرگری شرکت نفت در پالایشگاه توزیع میگردد. متن اطلاعیه کارگران چنین است:

از کمیته نمایندگان منتخب کارگران پالایشگاه آبادان به ریاست پالایشگاه آبادان پیرو بخشنامه مورخه ۵۸/۷/۲۴ شماره ۸۲/۵۸ هیئت رعیسه پالایشگاه جهت کار در روزهای پنجشنبه، کمیته کارگران پالایشگاه آبادان قاطعانه اعلام میدارد، از آنجائیکه تصمیم متخذه بدون مشورت نمایندگان کارگران بوده بدینجهت کارگران کمافی السابق ساعت کار فعلی را ادامه خواهند داد.

کمیته نمایندگان منتخب کارگران پالایشگاه آبادان روز شنبه ۵۸/۷/۲۴ کارگران می‌بایست طبق مفاد بخشنامه صادره شرکت نفت از ساعت ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر کار کنند (یعنی ۷ ساعت در روز) ولی کلیه کارکنان متحصلاً تا ۳ بعد از ظهر در محل کار خود مانده و حتی راننده‌های اتوبوس هم حاضر به خارج شدن از کاراژ نشدند و بدینترتیب از پیروی

قرار می‌داد، تشکیلات سراسری و بر قدرت صنفی کارگران وجود نداشت. کارگران بهیرو در زمینه سازماندهی مبارزات کارگران از تجربه زیادی برخوردار نبودند و به اهمیت تشکیلات منظم و آهسته برای کارگران پی نبرده بودند. در همین حال (بهیروز در تهران) تعدادی از نمایندگان کارگران بیکار، نمایندگان واقعی کارگران بیکار نبودند و بیشتر برای ارضای تمایلات خود پیشقدم شده بودند. کارگران نمایندگان خود را در عمل نشناخته بودند. اختلاف ما بین نمایندگان کارگران بیکار زیاد بود و اغلب آنها بر سر شیوه‌های مبارزه به توافق و اتحاد نظر نمی‌رسیدند.

در بین نمایندگان افرادی نیز بودند که در دایره تنگ خودبینی افتاده و تندروی بوج به تمام حرکات آنها سایه افکنده بود. اینان گاهی بقدری تند می‌رفتند که از خواست کارگران فرسنگها فاصله می‌گرفتند و از آنها بیگانه می‌شدند و گاه برعکس چون پشتوانه اینگونه افراد منطبق کارگر نبود که مسایل را حل نماید حتی اغلب بدام انحراف از مسیر اصلی و سازش می‌افتادند. این عده بجای پیگیری طرح اصولی "حق بیمه بیکاری"، "وام بیکاری" را پذیرفتند و موجب شدند که تشکیلات کارگران عملاً از درون موردتجاوز دشمن قرار گیرند. نمایندگان هم بودند که بدلیل وابستگی به جریان‌های سیاسی منحرف و خاش (نظیر حزب توده و سایر جریان‌های انحرافی و وابسته) اصولاً معتقد بودند که مبارزات کارگران موجب تضعیف "دولت انقلابی" می‌گردد و کارگران باید که به همان مقداری که دولت می‌دهد، رفاقت دهند! اینها ازبیت‌بهد کارگران غنچسر می‌زنند و ضایع‌انکاران به طبقه کارگر هستند.

در حال حاضر بعد از گذشت بیش از ۶ ماه از مبارزات متشکل کارگران بیکار - نمایندگان واقعی کارگران شما حدود زیادی شناخته شده‌اند. عناصرنا بیکار، در عمل نشان داده‌اند که تا به آخر با کارگران نیستند، ضایع‌انکاران هم از چشم تیزبین کارگران دور نمانده‌اند. در حال حاضر امکان انتخابات صحیح نمایندگان واقعی کارگران آماده‌تر شده است.

۲- نبودن تشکیلات واقعی:

همانطور که گفته شد، کارگران بدلیل کمی تجربه نتوانستند تشکیلات واقعی خود را بطوریت بوجود آورند. در همین حال نبودن رهبری واحد بر مبارزات کارگران بیکار، سازماندهی کارگران بیکار را بسا مشکل روبرو ساخت. طرحهای مختلفی از جانب نمایندگان و جریان‌های گوناگون مطرح شد که هیچکدام واقعی نبودند. بی تشکیلاتی کارگران تا ۳ ماه بعد از عید ادامه داشت. ۳ ماه پیش کارگران پروژه‌ای اقدام به تأسیس سندیکا های واقعی خود نمودند و چون این طرح اصولی بود، موفق شد طی مدت کوتاهی کارگران بسیاری را جمع آوری نماید. تشکیل سندیکا ها و تحکیم آنها ادامه داشت که جریان حمله هیئت حاکمه به کردستان، برونیا مه‌ها، تظاهرات مسالمت آمیز مردم و خانه کارگر پیش آمد. رژیم ضد انقلاب با حمله خود به خانه کارگر نشان داد که حتی ابتدای ترین آزادیهای صنفی را برای کارگران تحمل نمی‌کند. بعد از آن، یکدوره رکود ۱/۵ ماهه بر مبارزات کارگران بیکار چیره شد (هرچند نمایندگان واقعی و کارگران مبارز بیکار، دست از مبارزه نکشیدند و در نهان امور تبلیغی - ترویجی - سازماندهی را رهبری کرده، پیش می‌بردند). کارگران بیکار قصد داشتند بعد از محکم نمودن سندیکا های خود، اقدام به تشکیل اتحادیه کارگران پروژه‌ای، بنمایند. این هدف همچنان دنبال می‌شود.

در این حین دولت ضد انقلاب، به همراهی "وزارت سرمایه" اش کوشید مبارزات کارگران را منحرف نماید در این راه حزب توده و سایر جریان‌های انحرافی و وابسته نیز تمام تلاش خود را بکار بردند و بدین ترتیب همدستان با وفاشی برای دولت ضد انقلابی بودند. رژیم برای تقویت سندیکا های وابسته‌ای که از جانب حزب شده ایجاد شده بود، بدون هیچگونه مبارزه‌ای پرداخت وام بیکاری را به آنان سپرد (در آبادان، تهران و ۱۰۰) و وزارت سرمایه سندیکا های فرمایشی آنان را به رسمیت شناخت!

هنگام گشایش خانه کارگر که هنوز اول کار بود و بهیمن جهت کارگران باید مبارزه می‌کردند و خطرات و مشکلات را قبول می‌کردند، این دلالت جیره خوار تا زمانیکه خطر رفع نشده بود، در لاک خود غریبه بودند. لیکن هنگامیکه محصول رسید، داسا را برای درو آماده کردند تا زودتر حاصل مبارزه کارگران را در آسباب اربابان خود ببرزند. موقعیکه کارگران مبارز مبلغ ۱۰۰۰ تومان وام بیکاری و حق اولاد را از دولت می‌خواستند، این آقایان با خوشرفی تمام به ۲۵۰ تومان خالصی راضی شده و نشان دادند که در مواقع حساس خنجر خیاانت خود را بر پشت کارگران فرو می‌برند. واضح است که دولت ضد خلقی نیز خواهان ایزار مناسبی است تا از آن بعنوان چماق سرکوبی طبقه کارگر استفاده نماید. این آقایان با خیانت‌هایشان به طبقه کارگر، به دولت ضد خلقی نشان دادند که اگر در درون طبقه کارگر چابگیرند، می‌توانند با لیسای کلرگری کارگران را از درون متلاشی نمایند. بنا بر این بطور مجزه آسای بدون کوچکترین مبارزه صاحب طبقه بالای خانه کارگر شدند!

در حال حاضر عده‌ای سرسپرده به رژیم سعی دارند با تشکیل باصطلاح "کنفدراسیون کارگران ایران" تشکیلات وابسته به رژیم را ایجاد کنند. این باصطلاح کنفدراسیون، ازبیت‌بهد کلرگری برخوردار نیست عده‌ای معدود از کلرگروشان گذشته با حمایت دولت ضد خلقی، اقدام به ایجاد این تشکیلات قلابی کرده‌اند وزارت سرمایه آشکارا و در نهان، شدیداً از اینها دفاع می‌کند! لیکن مشت‌آین خود فروختگان از قبیل درنیزد کارگران باز است و دیگر حنای آنان رنگی ندارد.

در مورد چگونگی تشکیلات کارگران بیکار، مادر "بیکار" شماره ۱۳ و "کارگر به پیش" شماره ۲ مفصلاً بحث کرده‌ایم. در آنجا ما پیشنهاد تشکیل "اتحادیه‌های کارگران پروژه‌ای" (و در نهایت اتحادیه سراسری کارگران پروژه‌ای)، پیشنهاد تشکیل کمیته‌های از کارگران بیکار ا اصناف و کارخانه‌های کوچک و بزرگ که اخراج شده‌اند را نموده‌ایم، که در آخر به تشکیل "گائون سراسری کارگران بیکار" می‌انجامد. ما اقدام به انتشار مجدد این طرح خواهیم نمود.

حق بیمه بیکاری "هم حق کارگران بیکار است، هم حق کارگران شاغل"

بقیه از صفحه ۹

۳- نبودن "طرح" واحد:

چون رهبری و تشکیلات واحد وجود نداشت، ممکن شد که کارگران حول یک طرح مشخص گرد آیند. کارگران بکار از همان ابتدا، خود طرح "حق بیمه بیکاری" را مطرح نمودند (در ضمن وزارت کار)، لیکن بمسئله دلیل رخنه عناصر چپ نما و سازشکار در رهبری کارگران بیکار و ناآگاهی عده ای دیگر از نمایندگان، طرح "وام بیکاری" رژیم مورد پذیرش قرار گرفت.

درحله ای که نمایندگان کارگران بیکار از سراسر ایران در آن گرد آمده بودند، طرح وام بیکاری برد انتقاد قرار گرفت، لیکن رفقای نماینده ای که بر طرح "حق بیمه بیکاری" بافتاری می کردند در نهایت قرار گرفتند.

همانطور که گفتیم، رژیم طرح وام بیکاری را از آن جهت نطم کرد که کارگران را به انحراف کشانیده برداخت مقدار ساجیزی بول به عده ای از کارگران، در بین آنها دوستکی و پراکندگی ایجاد نماید و تکیلات کارگران را برهم بزند. کارگران را با دادن وام، تخمیق و تحقیر کند و اینطور وانمود کند که حق بیکاری، حق شایسته، بلکه با دادن وام بشما لطف کرده، عذقه می دهیم!! و مهمتر از همه، رژیم بد انقلاب با طرح "وام بیکاری" میخواست از زیر بار مسئولیت سیر کردن شکم میلمونها اسان گرسنه فرار کند، که کرد!

رژیم با این طرح در درجه اول تشکیلات کارگران را مورد حمله قرار داد. به این ترتیب که کارگران بطور انفرادی در مقابل دولت فرار می داد. رژیم با اتحاد "صدوق وام بیکاری" کارگران را تشکک بر می آورد و مطالب میل خود و سوابط ساختگی خود، با آنان رفتار می نمود. به همین نحو بوده که توانست ز ۲/۵ میلیون بمر بیکار، فقط به ۱۲۰ هزار نفر وام برداخت نماید!

"حق بیمه بیکاری" به کارگران می همانند که کل طبقه کارگر توسط طبقه سرمایه دار استثمار می شود تا بر این زمان که عده ای از کارگران بیکار می شوند، دولت نماینده سرمایه داران میبایستی قسمتی کوچکی ز درآمد سرمایه داران را که از استثمار کار کارگران حاصل شده است، بصورت "حق بیمه بیکاری" بیه کارگران برداخت نماید. لیکن دولت موقت با طرح وام بیکاری قصد فریب و تحقیر کارگران را داشت، آنها به کارگران می گفتند: "شما بول مفت می خواهید!! کار نکرده، مزد می خواهید!!" (از گرفتار وزیر سرمایه سابق نبات فروهر در آبادان). این نماینده سرمایه داران می خواهد بر استثمار و حشاشه کارگران توسط سرمایه داران سوحوار برپوش بگذارد، لیکن رسواتر از آن است که بتواند!

هم اکنون رژیم در صدد است که همین مقدار نا چیز وام بیکاری را هم دیگر برداخت نماید. دولت ضد انقلاب زمانیکه از یک طرف ساررات کارگران و سایر توده های خلق ما اوچ می گرفت، و از طرف دیگر هنوز سواستنه بود و مسائل سرکوبگر (ارزش، پلنس، ساواک جدید و...) را که در دوره قیام متلاشی شده بود، باز سازی کند، اقدام به عقب نشینی های محدودی نمود. لیکن حالا سمدار گذشت ۷ ماه از قیام بهمین ماه دولت سواستنه است تا حدود زیادی ارزش، ساواک، پلنس و... را سازماندهی کرده، تحکیم نماید. رژیم تا کیمک این وسائل و ابزار، جنگ حوضاری را بر توده های خلق ما اعمال نموده و می رود تا تمام دستاوردهای قیام را دوباره نابود کند. حمله به کردستان، بستن روزنامه ها، حمله به تظاهرات مسالمت آمیز مردم حمله به سازمان های سیاسی، اتحاد جوانان و دهقان شدید و... گوشه های از کوشش رژیم برای زیر پا گذاشتن دستاوردهای قیام است. بپرداختن "وام بیکاری" گوشه بسیار کوچکی از این دستاوردها بود که حالا مورد بورش رژیم قرار گرفته است.

اینها گوشه ای از تجارب عظیم مبارزات پرشکوه شما کارگران مبارز است. این تجارب به ما می آموزند که: ۱- به "دولت موقت" انقلاب!! هیچگونه اعتماد و اطمینانی نداشته باشیم. این دولت نه می خواهد و نه می تواند به درخواست کارگران پاسخ مناسب بدهد. طی این مدت، دولت موقت اقدام به توطئه گری، سرخوردن کارگران، برهم زدن تشکیلات آنان، حمله به جمعیات آنان و حتی کشتار و ضرب و شتم کارگران نموده است. هیئت حاکمه اقدام به سمن خانه کارگر نموده است. کارنامه این دولت طی ۷ ماهی که از تشکیل آن می گذرد، بر اساس حساب به خلق، کشتار توده های رحمکن و محکم کردن جای امپریالیستها، ساراسی چه اعتمادی می توان به آن داشت.

۲- در انتخاب نمایندگان خود میبایست دقت و انرژی صرف نمائیم. عناصر سازشکار و ناپیکار و بوسه عناصر خود فروخته و خیانتکار به طبقه کارگر را میبایست در صفوف خود امنا و طرد کنیم.

۳- تشکیلات و فقط تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. فقط و فقط تشکیلات است که خامن بیروزی کارگران می باشد. سدنگاها، اتحادیه ها و سایر تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. از تشکیلات واقعی موجود خود حمایت و پشتیبانی نموده. در حفظ آن بکوشیم.

۴- حول طرح "حق بیمه بیکاری" متحد شویم. صحت این طرح را به میان کارگران برده، توطئه های رژیم ضد خلقی و آبادی خود فروخته آنها افشا کرده، اهداف ضد انقلابی آنان را در بین "وام بیکاری" خنثی نمائیم.

کارگران مبارز!

سندنگاها و تشکیلات واقعی خود را بوجود آورید!

حول شعارهای زیر متحد شوید: ۱- "کار" برای بیکار، ایجاد باید گردد!

۲- "حق بیمه بیکاری" پرداخت باید گردد!

۳- نباید کارگر اخراج گردد!

۴- "خانه کارگر" آزاد باید گردد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۷/۱۲

بقیه از صفحه ۹

از بخشنا به دولت ضد کارگری بازرگان سرباز زدند. کارگران ۳ بعد از ظهر که بمنزل می رفتند از عمل انقلابی و یکپارچه خود ذوق زده شده و این موفقیت را با دست دادن به یکدیگر و با بلند کردن دستها و گره زدن آنها بیکدیگر به هم تبریک میگفتند.

"چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است"

در صنایع فولاد

اکثریت کارگران صنایع فولاد که حدود ۷۰۰۰ نفر میشوند روز پنجشنبه را بسرکار نرفتند. کارگران مبارز این مجتمع با عزم راسخ تصمیم گرفتند که در مقابل این طرح ایستادگی کنند.

شرکت نفت آغاچاری

کارگران صنعت نفت آغاچاری نیز با نزدیک شدن اولین پنجشنبه بعد از صدور بخشنا به دولت برای تصمیم گیری در مورد آن اجتماعاتی را در قسمتها و "یونیت" های مختلف بوجود آوردند و همه یکپارچه معتقد بودند که بایستی در مقابل این طرح ایستادگی کرد، تنها اختلاف کارگران و کارمندان شرکت در این بود که آیا بایستی بسر کار آمد و کار نکرد یا اینکه اصلا نباید بسر کار آمد. که بالاخره اکثریت قریب با اتفاق کارگران شرکت روز پنجشنبه بسر کار نرفتند. کارگران در جریان این امر باز هم بیشتر به ماهیت "شورای سلامی" شرکت آشنا شدند. شورائی که بانحسا کوناگون می کوشید کارگران را به کار کردن در روز پنجشنبه متقاعد کند.

صنعت نفت اهواز

اینها هم کارگران مانند اکثر جاها روز پنجشنبه بسر کار نرفتند. توجه خوانندگان را به اعلامیه "کارگران مبارز صنعت نفت اهواز" که در رابطه با بخشنا به دولت کارگری دولت انتشار یافته جلب می کنیم:

چرا پنجشنبه ها کار نمیکنیم؟

یکی از اقدامات انقلابی که توسط کارگر-ان ایران بعد از قیام بهمین ماه صورت گرفت کم کردن ساعات کار از ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت در هفته (تعطیل پنجشنبه ها) بود. هیئت حاکمه فعلی در این ۷ ماهی که بحکومت رسیده مرتجعانه سنگر به سنگر با هر چه ارمان قیام پرشکوه بهمین ماه بود، جنگیده است و حقوق کارگران و دیگر اقشار انقلابی جامعه را هر روز بیش از روز پیش با عمال کرده است. سرکوب خلق آزاده کرد که خواهان رفع ستم ملی و خودمختاری در جا-بقیه در صفحه ۱۱

نان ، مسکن ، آزادی

اعتصاب و تجمع کارگران فاسترویلر «تهران - جنوب»

تعبیر از صفحه ۱۰

چوب ایبرایی دمکراتیک هستند. سرکوب دهقانانی که زمینهای اربابان مفتخور را بین خودشان تقسیم کرده اند، حملات مسلحانه به تحصنها و اعتصابات کارگرانی که برای بهبود وضع زندگی شان مبارزه می کنند و "ضد انقلابی" خواندن آنها، حمله به مسوغات مترقی و توقیف نشریات و بسوا... انداختن کتابسوزان و بستن دفاتر گروهها و سازمانهای انقلابی و... از جمله اقدامات ضد کارگری هیئت حاکمه فعلی است. آخرین اقدام ضد کارگری دولت بازرگان و شوروی انقلاب، لغو تعطیل پنجمین ماه است. دولت میگوید: چون باره کار در ساعت پایان کار روزانه کم است، لذا کارگران و کارمندان روزهای پنجمین نیز باید سر کار حاضر شوند، یعنی روزی ۷ ساعت و پنجمین ماه است این است که در کارخانه های که شیفت کار نمیکنند، به حساب تلف شدن یکروز راحتی و استراحت کارگران سود بیشتری به جیب سرمایه داران زانوفت سرازیر میشود ولی آنها تنها علت لغو تعطیل پنجمین ماه همین است به شرکت نفت نگاه کنیم: همه کارگران و کارمندانی که مستقیماً در تولید شرکت دارند، شیفت کار هستند و تعطیل پنجمین ماه هیچ تأثیری در تولید ندارد. کارگران و کارمندان تعمیرات، کارگران "هواس کبپینگ" و کارمندان ادارات و... بصورت روز کار هستند و بدلیل اینکه از یکطرف به علت دور بودن واحدها از شهر و پراکنده بودن آنها مقدار زیادی از وقت آنها در راه تلف میشود و از طرف دیگر افراد آماده برای موارد اضطراری تعمیرات وجود دارد، تعطیل پنجمین ماه اشکالی در تعمیرات ایجاد نمی کند. یکروز کار اضافی در شرایط گرمای طاقت فرسای خوزستان و خستگی ناشی از آن کارگران را فرسوده میکند. کارگر به هیچ چیز زندگی نمیرسد و تمام روز حمله مجبور است به گرفتاریهای شخصی و خانوادگی بپردازد. اگر کارگران کارهای ضروری و مسائل شخصی شان را در یکی از این دو روز تعطیل حل کنند، روز دیگر راسی - توانند کتاب بخوانند، بدوستان کارگر خود سر بزنند و راجع به مسائل مملکتی صحبت کنند، با روشنفکران ارتباط برقرار کنند و... و مسئله همین جاست:

دولت بازرگان نه تنها در پی تأمین هر چه بیشتر منافع سرمایه داران زانوفت است، بلکه از آگاه شدن کارگران همشده و وحشت دارد. کارگران و کارمندان مبارز! - با اتحاد و همبستگی خود توطئه ضد کارگری و ضد خلقی هیئت حاکمه را خنثی نمائید.

هدفهای این عمل ضد کارگری هیئت حاکمه را برای دیگران توضیح دهید.

با کارگران به روال سابق، پنجمین ماه را خودتان تعطیل کنید، در روزهای هفته ساعت کار کنید و پنجمین ماه سر کار حاضر نشوید.

برقرار باد اتحاد و همبستگی همه کارگران و کارمندان صنعت نفت

۵ / ۷ / ۵۸ کارگران مبارز صنعت نفت اهواز

همانطور که در گزارش قبلی (پیکار ۲۲) آمد، روز یکشنبه ۶/۲۵ کارگران شرکت فاسترویلر بدعوت "شورا" تجمع می کنند ولی در همین تجمع که بعضی از نمایندگان مبارز شورا ترتیب داده بودند، ماهیت "شورا" از طرف این نمایندگان مبارز افشا می گردد. کارگران تصمیم میگیرند تا بر آوردن تمامی خواسته ها (لیست کامل خواسته ها که حدود ۲۳ خواسته را در بر میگیرد در چند هفته قبل تحویل مدیرعامل شرکت شده و اوقول رسیدگی به آن را داده بود ولی از عملی شدن آن خبری نشده بود.) از تجمع و اعتصاب دست بردارند. ولی روز سه شنبه همان نمایندگان قلابی که در شماره قبل از آنها صحبت شد، با زهم بمیان کارگران رفته و از آنها می خواهند که تا روز شنبه ۶/۲۱ به کار فرما برای بر آوردن خواسته ها مهلت دهند و با طرح مطالبی از قبیل: "دولت جمهوری اسلامی تضعیف نشود" و... بالاخره کارگران را راضی می کنند تا به سرکار بازگردند.

روز دوشنبه ۷/۲ در این روز یکی از کارگران "برناکار" کارگاه لورگی در حین انجام کار دچار سوختگی شده و قسمتهای زیادی از بدنش میسوزد. ولی آمبولانس برای بردن این کارگر به بیمارستان وجود نداشت. به همین دلیل کارگر مزبور مدتها بدون دوا و درمان می ماند. این حادثه یکبار دیگر چون جرقه ای به آتشبار باروت خشم کارگران عمل می کند و با زهم ظلم آشکاری را که به آنها می شود آشکار تر می سازد. یکی از خواسته های مکرر قبلی کارگران قرار دادن چهار دستگانه آمبولانس با وسایل مجهز در نقاط مختلف شرکت برای چنین مواقعی بود. این حادثه یکبار دیگر ماهیت ضد کارگری کار فرما را آشکار می سازد و کارگران "لورگی" از اینکه به خواسته های کوچک آنها هم رسیدگی نمی شود، شدیداً خشمگین شده و روبروی کارگزینی شرکت جمع میشوند. در این موقع کارگران قسمتهای دیگر شرکت هم (کورف، اچ.وای. ال. و سو فرساید) نیز به کارگران لورگی می پیوندند و اجتماع بزرگی را با حدود ۳۰۰۰ کارگر بوجود می آورند.

ابتدای یکی از کارگران سخنرانی کرده و ضمن افشای سه تن از نمایندگان (که کارگران مبارز قبلاً در طی اعلامیه ای آنها را افشا کرده بودند) از خواسته های برحق کارگران دفاع کرده و اعلام می دارد که: "اینبار گول وعده و وعید کار فرما را نخورده و تا رسیدن به تمام خواسته هایمان و تا زمانی که نمایندگان دولت برای رسیدگی نیایند اعتصاب را ادامه می دهیم." بعد از چند ساعت "طالبانی" مدیرعامل شرکت فاسترویلر (شهر اجنسوب) را کارگران با زور به اجتماع می آورند. طالبانی که خود را باخته بود در مقابل پرسش کارگران نسبت به جواب خواسته ها خود را هیچگاه نمیتواند او وانمود می کند که هیچگونه مسئولیتی

(۳) - در این مورد اعلامیه ای نیز در تاریخ ۵۸/۶/۲۹ از جانب مدهای از کارگران مبارز این شرکت انتشار یافته است.

ندارد. کارگران در جواب گفتند: "اگر سو مسئولیتی نداری پس چرا خواسته های ما را دو ماه قبل گرفتی و سه ما قول دادی که به آن رسیدگی می کنی؟" که طالبانی جوابی نداشت. و کارگران با شعار "مرگ بر ضد کارگر" او را از اجتماع خود راندند.

کارگران صماً به تمام نمایندگان اخطار کردند که هیچ نماینده ای حق تبادل نظر با کار فرما و عمالش را بدون درجریان مستقیم قرارداد کارگران ندارد. سپس یکی از کارگران اعلامیه ضد کارگری "بازرگان" را (که در آن دستور اخراج "اخلالگران" و "ضد انقلابیون" را صادر کرده است) افشا ساخته و اشاره می کند که توطئه ای در حال تکوین است که طوسی آن می خواهد با یک جایجایی کارگران، کارگران مبارز را اخراج کند. کارگران تا ساعت ۲ بعد از ظهر به تجمع خود ادامه می دهند.

روز سه شنبه ۷/۳ دوباره کارگران از ساعت ۹ صبح جلوی دفتر کارگزینی جمع می شوند و چند کارگر مبارز سخنرانی کرده، ماهیت دولتهای سرمایه داری و توطئه های کار فرما را افشا می کنند. و کارگران شعار "زنده باد کارگر"، "مرگ بر سرمایه دار" می دهند. سپس یکی از کارگران حمله های جدید کار فرما در مورد بزرگ کردن کمیونیم برای کارگران توضیح می دهد و آنرا با لفظ اخلالگر و... رژیم سابق مقایسه می کند و همچنین ماهیت نیروی ویژه کارخانه را افشا می سازد. در این موقع کارگران دوباره، طالبانی مدیرعامل را بمیان جمع می آورند. ولی او با زهم خود را غیر مسئول و هیچگاه نمی خواند. پس از این کارگران تصمیم به راهپیمایی میگیرند و در قسمتهای مختلف صنایع فولاد به راهپیمایی می پردازند تا به طبقه مرکزی صنایع فولاد می رسند. شعارهای کارگران از اینقرار بود:

کمیته ویژه نباید گردد
کمیته ویژه نابود باید گردد
شورای انقلابی ایجاد باید گردد.
شورای انقلابی ایجاد باید گردد
اشعری (۱) اخراج باید گردد.
پنجمین تعطیل است
سپس کارگران با صفوف متشکل از طبقه سوم بطرف دفتر شرکت بر میگردند و دائماً همان شعارها را تکرار می کنند. در همین موقع طالبانی حدود ۵۰ نفر از کارگران ناآگاه را جمع کرده و با بمب تبلیغات که اینها کمیونیم و ضد خدا و اخلالگرند آنها را آماده حمله به صفوف متشکل کارگران می سازد. آنها با چوب و چماق و تکه تکه افراد اعزامی از طرف کمیته به صفوف متشکل کارگران حمله ور میشوند. ولی کارگران علیرغم اینکه چندین برابر چماق - داران بودند و سواختی می توانستند با این عده مقابله کنند با هوشیاری از درگیری

(۱) - اشعری یکی از عناصر ضد کارگر عضو مدیریت روابط عمومی شرکت است.

اعتصاب و تجمع کارگران فاسترویلر (تهران جنوب)

خودداری کرده و متفرق می‌شوند. در همین موقع طالقانی به میان کارگران رفته و خود را نماینده دولت، قائم مقام مدیرعامل و همه کاره شرکت معرفی می‌کند. وظیفه سخنرانی برای چماقداران، کلیه کارگران اعتصابی را که تعدادشان به ۴۰۰ نفر می‌رسد ضد انقلابی خوانند. در این روز کارگران قطعنامه‌ای صادر می‌کنند که ملاحظه می‌کنید:

قطعنامه

- ۱) ما خواستار برکناری بعضی از اعضای شورای مرکزی فسطی و برگزاری انتخابات مجدد برای ایجاد یک شورای مستقل و واقعی هستیم.
- ۲) ما خواستار رسیدگی فوری به کلیه خواسته‌های برحق و قانونی خود که تا کنون بایستی توجهی مسئولین امر مواجه بود، و خواسته‌های ما کارگران را غیر - قانونی خوانده‌اند، بوده و دیگر هیچگونه مبروانتظاری به هیچ قدرت غیر مسئول نخواهیم داد.
- ۳) ما خواستار انحلال "نیروی شیطانی ویژه" که کارگران و نمایندگان مبارزو آگاه را تهدید، تحقیر و مضروب می‌سازد، هستیم.
- ۴) ما در اینجا بپیمان می‌بندیم که اتحاد فولادین خود را تا رسیدن به خواسته‌های برحقمان از دست نداده و تا آخرین قطره خون خود در مقابل توطئه‌های مسز دوران کارفرما و دیگر مسئولین پاسداری خواهیم کرد.

کارگران پیمائشی

فاسترویلر - تهران جنوب ۵۸/۷/۲

روز چهارشنبه کارگران دوباره جلسوی کارگزیینی جمع می‌شوند و یکبارچه اعلام میکنند که پنجشنبه را به سرکار نخواهند آمد. و با شعار پنجشنبه تعطیل است - پنجشنبه تعطیل است، متفرق می‌شوند.

روز پنجشنبه عده‌ای از مرتجعین و افراد ناآگاه شرکت به سرکار می‌آیند. آنها که همدیگر را پیدا کرده بودند به کمک کارفرما و عوامل مزدور نقشه‌ای می‌چینند تا کارگران را روزشنبه به سرکار برگردانند.

روزشنبه آنها از اول صبح بادر دست گرفتن عکسهای آیت الله خمینی و طالقانی و با پخش یک اعلامیه خوش آب و رنگ که به کمک کارفرما تهیه کرده بودند و خود را کارگران "وحدت طلب" معرفی می‌کردند، دست به راهپیمایی زده و همه کارگران را جلوی مسجد "لورگی" جمع می‌کنند. آنها که تا این لحظه شمارهای وحدت طلبانه می‌دادند، شروع به تفرقه انداختن در صفوف کارگران می‌کنند و از همان حربه‌های معمول کارفرما استفاده میکنند و چنین وانمود می‌سازند که اعتصاب کارگران نه از روی خواسته‌های برحق آنها بلکه ناشی از تحریک عده‌ای بی‌خداست، به این طریق و با یک نقشه حساب شده از احساسات کارگران حداکثر

سوء استفاده را کرده و از کارگران می‌خواهند که نادر هفته دیگر به کارفرما برای برآوردن خواسته‌هایشان فرصت دهند. آنها ضمناً کارگران حاضر را راضی می‌کنند پنجشنبه را برای تقویت دولت جمهوری اسلامی و امام خمینی به سر کار بیایند.

آخرین خبر حاکیست که عده‌ای از کارگران روز یکشنبه به سرکار می‌روند.

آری! یکبار دیگر کارفرما به کمک عواملش و با سوء استفاده از ناآگاهی و احساسات مذهبی کارگران موفق می‌شود در میان نشان تفرقه انداخته و مبارزترین کارگران را که در روزهای قبل بستوان سختگوی کارگران کار می‌کردند و کارگران را نسبت به توطئه‌های کارفرما آشنا می‌ساختند و اتحاد و همبستگی آنها را محکم می‌ساختند، ضد انقلابی بخواند. ولی آنها خواهند توانست، مدت زیادی از این طریق کارگران را بفریبند و در مقابل خواسته‌های برحق آنها مقاومت کرده و زیر پوش اسلام آنها را بفریبند؟ از نظر ما به هیچوجه. کارگران عنقریب ماهیت همه عناصر ضدکارگر را در ره‌لیاسی خواهند شناخت و همچون گذشته به مبارزات پیگیر خود شایستگی کامل استعمار فرد از فرد ادامه خواهند داد.

در پایان توجه شما را به متن اعلامیه‌ای که توسط گروهی از کارگران مبارز فاسترویلر انتشار یافته جلب می‌کنیم:

اعتصاب تایروزی کامل

ادامه دارد

روز دوشنبه یکبار دیگر ثابت شد که خواسته‌های ما کارگران برحق و حیاتی است. یکی از خواسته‌های اعلام شده ما، داشتن چهار دستگاه آمبولانس مجهز است. تا ما را که همیشه در معرض حادثه هستیم به بیمارستان منتقل کند. حادثه‌ها همیشه از فرسودگی و خستگی زیاد و فشار طاقت فرمائی کار در گرمای ۵۰ درجه و بدلیل نبودن وسایل ایمنی پیش می‌آید. این حادثه‌ها همیشه ما کارگران را تهدید می‌کند، نه آنانی را که عادت کرده‌اند پشت میز بنشینند و دستور بدهند و آخر کار هم حاصل دسترنج ما را غارت می‌کنند. با وجود اینکه همیشه خطر ما را تهدید می‌کند ولی کوچکترین تضمینی نداریم.

روز دوشنبه یکی از برادران کارگران در کارگاه "لورگی" دچار سوختگی می‌شود و قسمت‌های زیادی از بدنش می‌سوزد. ولسی چون آمبولانس نبود مدت‌ها طول می‌کشد تا به بیمارستان منتقل شود. این حادثه یکبار دیگر ظلمی را که به ما می‌رود آشکارتر ساخت و توانست چون جرقه‌ای به آتش برآورد ما، که مدت‌ها فریب وعده‌های شیرین کارفرما را خورده بودیم بزنند. و از آن زمان تا کنون توانستیم با حفظ همبستگی و تشکل و اتحاد خود هر حربه کارفرما را نقش بر آب ساخته و به اعتصاب و تجمع خود ادامه دهیم.

"طالقانی" مدیرعامل شرکت رازیون و هراسان کنیم و او زمانیکه حمله‌هایش در مقابل اتحاد و همبستگی ما به نتیجه نمی‌رسد، بر علیه ما دسته چماقداران برای می‌اندازد. آنها از ناآگاهترین کارگران و با حمایت با ساداران آنها کارفرما از شیوه‌های دیگری هم برای برهم زدن اتحاد و تشکل ما استفاده می‌کنند. بدون شک بلی! و با یستی با زهم‌ها هوشیاری خود نقشه‌های او را بر آب سازیم. از جمله این حمله‌ها یک حمله همیشگی و تجربه شده آنها یعنی تفرقه و اختلاف انداختن در صفوف ما است.

این حمله پس از انقلاب در لباس جدیدی ظاهر می‌شود. آنها سعی می‌کنند تا کارگران را به دو دسته کارگران مذهبی و غیر مذهبی تقسیم کنند. و از این طریق در درون ما جدائی بسپارند و بگویند که ما با بدشیدا ناآن مقابله کنیم. و با ممکنست با چند خواسته از کل خواسته‌هایمان موافقت کنند. و به این وسیله و در این زمان که با اتحاد یکبارچه ما رو برو شده‌اند، ما را به سرکار یکشانند. که ما با یستی تا برآوردن تمامی خواسته‌هایمان به اعتصاب و تجمع خود ادامه دهیم.

با ممکنست عده‌ای از کارگران مبارز و پیمائشی ما را که نقش مهمی را در مبارزه دارند دستگیر و با اخراج سازند. که باز هم با یستی تا آزادی کامل و با گذشتن به جمع کارگران اعتصاب را ادامه دهیم و همین حالا پیشنهاد ما اینست که عدم اخراج با دستگیری کارگران مبارز چه در طول اعتصاب و چه پس از آن را به خواسته‌های خود اضافه کنیم.

و همچنین ممکنست با ایجاد محیط شدیدتر و با آوردن پاسداران و برآه انداختن دو-باره دسته چماقداران محیط وحشت اختناق را همچون زمان گذشته به ما تحمیل کرده، ما را وادار کند به سرکار برگردیم که ما ضمن خود - داری از بر خورد با یستی هر روز و همیشه اجتماعات خود را حفظ کنیم. دائماً در این اجتماعات و بطور دسته جمعی توطئه‌های کارفرما را افشا کرده، اتحاد و همبستگی خود را محکمتر سازیم.

برادران کارگرا! برای پیگیری و ادامه اعتصاب تعقیبه شورا از عناصر طرفدار کارفرما را از همین امروز شروع کنیم. نمایندگان کارفرما را از نمایندگی خلع و بجایش کارگران مبارز را انتخاب کنیم. ایجاد "صندوق اعتصاب" هم ما را در ادامه دادن به اعتصاب کمک و یاری خواهد داد. ما با ایجاد "صندوق اعتصاب" ضمناً از دیگر برادران کارگرمای چه در دیگر قسمت‌های صنایع فولاد و چه در صنعت نفت و "تورد" خواهیم خواست که با کمک به این صندوق، همبستگی خود را با ما اعلام کنند.

شورا را از عناصر مزدور و وابسته به کارفرما تعقیبه کنیم!

"صندوق اعتصاب" را ایجاد کنیم! عده‌ای از کارگران مبارز فاسترویلر (تهران جنوب) ۵۸/۷/۲

کار، کار، کار اینست شعار بیکار

گزارشی از مبارزه کارگران و دیپلمه‌های بیکار تبریز

یک کارگر بیکار:

"به این کاسه نگاه کنید، این را در خانه به دستم داده‌اند تا برایشان غذا تهیه کنم ولی من پولی در بساط ندارم تا برای فرزندانم غذا بگیرم!"
"یا مرگ یا اشتغال - کار، کار حق مسلم ما است."

در مسجد شریعتمداری بدون اطلاع کارگران بیکاران
۷ - اگر بخواسته ما رسیدگی نگردد دوباره تحصن خود را از ساعت ۹ صبح ۵۸/۷/۸ ادامه خواهیم داد.

در ضمن خواندن قطعنامه چند نفر از عناصر اخیر شده سعی در تفرقه اندازی و بهم زدن جمع کردند که خوشبختانه با هوشیاری که بیکاران از خود نشان داده و با دادن به موقع شعار: "اخلالگرتا یناخ" یعنی "اخلالگروا بشناسیم" این شوطه‌های عناصر بر سر جمع را خنثی کردند. ساعت حدود ۱/۵ بود که جمع تصمیم می‌گیرد دنباله نظاهرات را به شهر بکشند. بقول یکی از بیکاران که میگفت "ما عوضی آمده ایم ما با بیستی حرفهای خود را با مردم به میان بگذاریم نه با مقامات اداری، چون اگر مسردم پشتیبان ما باشند آنها نیز مجبور به اجرای خواست ما خواهند شد"

نظاهرات از داخل استانداری به بیرون کشیده شد و از خیابان شاهبختی تا خیابان متحدین و از آنجا هم تا چهار راه متحدین ادامه یافت. در طول نظاهرات همان شعارهای قبلی داده شد و فقط در چهار راه متحدین بود که دوباره قطعنامه برای مردم خوانده شد و بدین ترتیب بیکاران تبریز صدای خود را بگوش سا برزحمت کشان رساندند و خواستار اجتماع در استانداری را ساعت ۹ روز یکشنبه شدند.

☆ ☆ ☆

حدود ۵ دقیقه بعد از آنکه تظاهر کنندگان متفرق شدند، ۱۰ نفر قلائد در حالی که سعی میکردند با دادن شعار "اسلام پیروز است، کمونیست نابود است" نظاهراتی علیه بیکاران برای اندازند ولی خوشبختانه دیگر حنای اینان پیش مردم رنگی ندارد زیرا کسی داخل جمع این مزدوران نشد. بطوریکه کمی بالاتر از چهار راه متحدین خجل و شرمندگی برآوردند.

یکشنبه ۵۸/۷/۸

هما نظوریکه روز قبل فرا گذاشته شده بود از ساعت ۹ صبح امروز (یکشنبه) بیکاران (کارگران و دیپلمه‌ها) در استانداری تبریز اجتماع کردند. نزدیکی های ساعت ۱۰ بود جمعیت نسبت به روز گذشته بیشتر بود و چهره های نا آشنا زیاد چشم میزد. همچنین از قیافه های آشنا که در روزهای قبل بمناسبت نماینده و غیره فعالیت های زیادی کرده بودند خبری نبود که بعد از کمی روشن شد که روز گذشته پس از پایان نظاهرات نمایندگان بقیه در صفحه ۱۴

ریال هم پول دارم. چند ماه است از بیکاری می نالم و پول دو اودرمان پدر و مادریم را خود را ندارم. چند مرتبه اینجا آمده ام هنوز به هیچ جا نرسیده ام. باور کنید ترجیح می دهم آنقدر اینجا بنشینم تا بگیرم ولی با دست خالی بخانه نروم."

سپس کارگری حدود ۴۵ ساله در حالیکه شنا سنا مه خود ۴ نفر عائله اش همراهش بود چنین گفت: من نان آورده نغرم. شکم را نیز عمل کرده ام. چند وقت است که بیکارم. اکنون نیز ۱۲ ریال دارم که بلیط اتوبوس خواهم خرید و در حالیکه کاسه ای در دستمالی پیچیده در دست داشته ام:

"به این کاسه نگاه کنید این را در خانه به دستم داده اند تا برایشان غذا تهیه کنم ولی من پولی در بساط ندارم تا برای فرزندانم غذا بگیرم!"
بر خلاف قولی که داده شده بود با لاف خیر آمد که استاندار به نمایندگان گفته "من کارهای واجب تری دارم..."

در این موقع - حدود ساعت ۱۲/۵ - بود. جمع بعد از چند بار دادن شعار "استانستاد ایستریخ والسلام" چون نتیجه ای عاید نشد تصمیم به راهپیمایی در محوطه استانداری گرفت این نظاهرات حدود یک ساعت بطول انجام میدود و در طی آن شعارهای زیر داده میشد:
"دیو شوخ، فان وردوخ نیه گننه ایشیم سوخ"

یعنی:

"جنگیدیم، خون دادیم، چرا هنوز بیکاریم"
"تا زوی این جوانان نیروی انقلاب است، بیکاری جوانان سرچشمه فساد است"

و

"یا مرگ یا اشتغال" - "کار، کار، حق مسلم ما"
"ایش ایستریخ والسلام" یعنی: "کار می خواهم والسلام"
"بیکاری ایرانی نابود گردد، اتحادیه بیکاران ایجاد باید گردد"

در پایان قطعنامه ای در ۷ ماده تنظیم شده از قرار زیر است:

- ۱ - آزادی دوستان دستگیر شده در محوطه استان - داری به تاریخ ۵۸/۷/۲
- ۲ - ایجاد کار برای کلیه بیکاران اعسم از (کارگر، دیپلمه، فوق دیپلم - لیسانس)
- ۳ - در صورت عدم اشتغال بیکاران دادن حق بیکاری برای آنان.
- ۴ - برسمیت شناختن اتحادیه بیکاران
- ۵ - استخدام بیکاران از طریق اتحادیه بیکاران
- ۶ - روشن نمودن استخدام غیرقانونی و غیر

بدنبال ما هم مبارزه دیپلمه های بی- کار برای ایجاد کار بوسیله دولت "انقلابی" اینک در اکثر شهرهای کشور این گروه حق طلب بپا خواسته اند و با اشکال مختلف مبارزه در جهت احقاق اولییه ترین حق خویش "کار" میکوشند. عکس العمل دولت "انقلابی" نیز معلوم است: وعده و وعید و دعوت به "صبر انقلابی" اگر نشد ایجاد تفرقه و سرکوب مثل همه رژیم های فدخلقی در تبریز نیز در روز چهارشنبه ۵۸/۷/۴ دیپلمه های بیکار در محل استانداری بعد از انتخاب نمایندگان خود برای مذاکره، تصمیم می گیرند که در صورت عدم رسیدگی بکارشان روز شنبه ۵۸/۷/۷ در استانداری تحصن کنند.

در استانداری به نمایندگان محل نمی گذارند و میگویند فعلا تا ۶ ماه کارنداریم و بعد از ازشش ماه هر ماه برای دویست نفر کار ایجاد می کنیم و شما بای خود وقت خود را تلف می کنید. بدنبال این جریان با انتشار اطلاعیه ای از تمام بیکاران (دیپلمه ها، کارگران و...) دعوت به تحصن در استانداری میکنند. شب ساعت ۱۰ صبح شنبه حدود ۳۰۰ نفر که اکثرا دیپلمه و کارگر بودند در جلوی استانداری جمع می شوند و با شعار "استاندار را می خواهیم" خواستار آمدن استاندار میشوند. خبری نمیشود سپس شعار "یا ایش ورون ایشلیخ" - یا پول ورون خلیخ" یا کار بدهید کار کنیم - یا پول بدهید خرج کنیم، را سرمی دهند. شعار دادن نیم ساعت ادامه پیدا میکند و جمع تصمیم میگیرد در محوطه استانداری دست به تظاهرات بزند با شعار "یا مرگ یا اشتغال" "یا ایش ورون..." به حرکت می افتند. هنوز چند قدمی نرفته بودند که افراد کمیته به صف مقدم حمله کرده و دونفر از کسانی را که شنا سنا می کردند بودند دستگیر نموده کشان کشان بطرف ماشین کمیته میبرند. ولی عکس العمل شدید جمع منجر به آزادی آنها میگردد. عده ای شعار میدادند "حق دینی و رولار حق دینی توتولار" "هرکس حرف حق میزند میزنند، هرکس حرف حق میزنند میگیرند" وعده دیگری از حرکت ما موران جلوگیری میکنند.

نظا هرکندگان سپس متوجه استانداری شده سعی میکنند داخل استانداری شوند که منجر به درگیری با ما موران کمیته میشود با این حال چند نفری داخل میشوند که توسط ما موران کمیته بازداشت میشوند. نظاهرات که نظم خود را از دست داده بود دوباره شکل میگیرد و بیکاران جلوی درب جنوبی استانداری رفته و در آنجا تحصن میکنند. در اینجا چند سخن سخترانی میکنند. یکی از نمایندگان آنها، ربخشی از صحبت های خود گفت: "داخل استانداری یکی از افراد کمیته ۳ را روی سینه من قرارداد و کلتگدن را کشیده و میگفت کار میخواهی؟" و صحبتی راجع به اتحادیه بیکاران و لزوم ایجاد آن، بیان کرد. کارگری ۲۵ ساله چنین گفت: من یک مسلمانم و یک کارگرم ضد انقلاب هم نیستم، نان آور و نغرم و پدر و مادری بیمار دارم. یک پای خودم هم نقی دارد. ۱۵

بقیه از صفحه ۱۳

کار، کار، کار....

وعنا صرفعالم توسط عوامل کمیته‌ها شنا ساشی و دستگیر شده‌اند. در ضمن امروز اعلام شد که استاندار نیز جهت ما موریت به شبستر رفتند استان این قرآن همگی حاکی از نقشه پلیسید ارتجاع برای یورش به بیکاران و سرکوب آنان بود. بالاخره انتظار ربیبیان رسید و از طرف بیکاران ضمن محکوم کردن دسیسه‌های ارتجاع که بصورت دستگیری‌های پراکنده بیکاران متبلور شده بود اعلام شد که چنانچه دوستان در بند، آزاد نگردند دست به تظاهرات زده و در چهار راه متحدین متحصن شده و دست به اعتصاب غذا خواهند زد و اعمال ارتجاع را افشا خواهند ساخت و در ضمن قبل از تظاهرات معساون استاندار را در جریان گذاشتند و چون معساون استاندار از خود سلب مسئولیت کرد، تظاهرات از داخل استاندار شروع شد و پس از چند لحظه برخلاف روز گذشته که در اطراف استاندار این عمل مشکوک خبر از توطئه‌های میداد که تظاهرات کنندگان در آن لحظات متوجه آن نشدند و در حالیکه شعار: کار، کار، اینست شعار بیکار "بازوی این جوانان نیروی انقلاب است، بیکاری ایرانی سرچشمه فساد است" و "ایست ایستریخ والسلام" را میدادند از درب استان داری خارج شدند، که بطرف چهارراه متحدین رفته و در آنجا متحصن شدند....

در همین حال از داخل استان داری حدود ۵۰ نفر مسلح به رنجبر و پنجه بکس و سایر لوازم سرکوب در حالیکه در جواب شعار: "ایش ایستریخ والسلام" تظاهرات کنندگان شعار میتدل ".... پیروز والسلام" یعنی ".... می خورید و السلام" را می دادند از پشت صف به تظاهرات کنندگان حمله برده و عده زیادی را مضرور کرده و تعدادی را دستگیر کردند و در این هنگام افراد کمیته "چریکهای پیشرو" که روبروی استان داری در طرف دیگر میدان می باشند مسلحانه به کمک عناصر اجبر شده و اوپاشان چاقو بدست شناخته و دستگیر شدند و راکشان گشان بطرف ستاد خود بردند.

★ ★ ★

بدین ترتیب بیکار دیگر ما هیت ضد کارگری و ضد انقلابی رژیم کنونی آشکار شد. این حادثه بدون اینکه هیت حاکمه بخواد، درس دیگری به زحمتکشان و به توده‌های مستعبد داده، درسی که بخصوص برای زحمتکشان ما دارای اهمیت بسیاری است، و آن آنکه بخود بیه نیروی جمعی خود نیروی که لازمال است و هنگامیکه این نیرو در تشکیلات مستحکمی بکار گرفته شود، تشکیلاتی که جزا طریق کوشش خود زحمتکشان و تمام توده‌های مستعبد از یک طرف و بهره‌گیری از نظرات علمی و انقلابی سازمانهای انقلابی خلق بوجود نمی آید، دما را روزگرا سرمایه داران و تمام مترجمین درمی آورد.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

★ ★ ★

گزارشی از: راهپیمائی و تحصن دیلمه‌های بیکار

"کسته برو پاوه"، "یوزی ژ-۳"، "دیگر اثر نداره"، "یا بکشین، یا کار بدین" یکی از نکات جالب این بود که انفراد کمیته با لباس شخصی بین دیلمه‌ها رخنه کرده بودند و گذشته از شناسائی عناصر فعال، میکوشیدند با ایجاد درگیری و بحث‌های بی‌مورد تفرقه ایجاد کنند که خیلی زود افشا شدند.

حدود ساعت ۴ بود که نمایندگان بدون هیچ نتیجه‌ای برگشتند و گفتند: "اول که رسیدیم، طباطبائی گفت بدستور امام، تظاهرات و تحصن بهر شکلی ممنوع است من نمی دانم شما چطوری این کار را انجام داده‌اید! این کار شما باعث سو- استفاده دیگران میشود، شما چرا به این کار غیر قانونی دست زدید، که گفتیم در اثر فشار زندگی بیشتر از این نتوانستیم تحمل کنیم". در مورد پاسخی که به قطعنامه آنها داده بود اضافه کرد که: "در باره ماد ما اول گفت بهیچوجه امکان لغو آن وجود ندارد، چون ما با تورم کارمند روبرو هستیم، در مورد مجازات ظالمین تیراندازی اصلا صحبتی نکرد، و در باره بازنشسته کردن افراد واجد شرایط گفت که ما طرحی برای بازنشسته کردن و بازخریدن کردن در دست داریم، ولی همانطور که گفتیم، چون با تورم کارمند روبرو هستیم، این بدان معنی نیست که افراد بیکار را بجای آنها استخدام کنیم. بنابراین فعلا دولت برای شما انفراد بیکار کاری نمیتواند بکند، ولی پروژه‌ای در دست است که حداقل یکی دو سال دیگر می تواند تا ۲۴ هزار نفر را جذب کند. در مورد نشان دادن تظاهرات از تلویزیون گفت بهیچوجه امکان پذیر نیست، چون کار شما، کاملاً غیر قانونی بوده است، ولی خودم در مصاحبه تلویزیونی، در مورد بیکاری دیلمه‌ها صحبت می‌کنم!"

جمعیت شدیداً اعتراض کرد و در گوشه و کنار شروع به بحث کردند، که تحصن را ادامه دهند یا بطرف دانشگاه که گفته میشد بازگان هم آنجا برنامه سخنرانی دارد حرکت کنند. در این موقع پاسداران یک نفر را به بهانه اینکه به دولت اهانته کرده دستگیر کردند و بطرف ماشین کشیدند، جمعیت با ازدحام خود جلو ماشین را بستند و نشدند اعتراض کردند، پاسداران فرد دستگیر شده را آزاد کردند و شروع به تیراندازی هوایی کردند، گلوله‌های که با دسترنج زحمتکشان تهیه شده بود، بیکار دیگر و فقط ماه هفتم پس از قیام، برای ارطاب و متفرق کردن آنها بکار گرفته میشد، باینصورت جمعیت متفرق شد.

آری، فرزندان خلق ما این چنین در هر قدم از تجربه زندگی روزمره خود درمی یابند که دولت ضد انقلابی قادر به پاسخگویی مسائل آنان نیست.

روز یکشنبه ۵۸/۷/۱ حدود ۱۰۰۰ نفر از دیلمه‌های بیکار پس از گذشتن از چند خیابان، از جمله خیابان فلسطین ساعت ۱۲/۵ جلو نخست وزیری رسیدند. در طول راه یک نفر از آنها را دستگیر کرد. ولی وقتی سوار ماشین کردند که ببرند، دیلمه‌ها جلو ماشین را گرفتند و مانع حرکت آن شدند. پاسداران بناچار او را آزاد کرده و دیوانه وار به شلیک هوائی پرداختند. برخی از شعارهایی که در طول راه می دادند چنین بود:

"جنگیدیم، خون دادیم، اما هنوز بیکاریم" "بیکاری، بیکاری، ریشه هر فساد است"، "سرمایه دار عامل هر بیکاری"، "اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه دار"، "مرگ بر ارتجاع"، "کار حق مسلم ماست"، "کارگران بیکار، دیلمه‌های بیکار، باید برند سرکار"، "قطب زاده، ساسورنکن، نشان بسده" دیلمه‌ها جلو نخست وزیری شعار میدادند و از مسئولین می خواستند که بازگان بماند آنها بیاید و به خواستهایشان توجه کند، اما آنها گفتند که بازگان شهرستان است، دیلمه‌ها خواستار آمدن طباطبائی شدند و شعار دادند: "سخنگو بیا بائین" در این هنگام یک نفر از نخست وزیری آمد که خواستهایتان را بدهید و متفرق شوید. جماعت او را هو کردند و گفتند: "همین جا بهترین جاست". و روی زمین نشستند. ۵ نفر را که در طول راه بعنوان نماینده انتخاب کرده بودند، دوباره تائید کردند و اینها قطعنامه شش یا هفت ماده‌ای تهیه کردند که مضمون بعضی از بندهای آن چنین بود:

- ۱- لغو قانون منع استخدام درد واکسر دولتی.
- ۲- مجازات ظالمین تیراندازی امروز.
- ۳- بازنشسته کردن افراد واجد شرایط و بازنشستگی و استخدام افراد بیکار، بجای آنها.
- ۴- ایجاد کار برای همه از جمله دیلمه‌ها و فوق دیلمه‌های بیکار با توجه اولویت (سابقه بیکاری و تاهل و...)
- ۵- نشان دادن تظاهرات امروز از تلویزیون و...

در حالیکه دیلمه‌ها اصرار داشتند طباطبائی پائین بیاید، نمایندگان که برای مذاکره در همین مورد رفته بودند، برگشتند و گفتند: "طبباطبائی به علت مسائل امنیتی پائین نمی آید". با تائید اکثریت نمایندگان پیش طباطبائی رفتند و از ساعت ۲۰ و دقیقه ۲۰ به مذاکره نشستند. از طرفی پاسداران می کوشیدند که با تهدید و ارطاب جماعت را پراکنده کنند که با شعارهای زیر مواجه شدند: "کمیته، پاسدار، حق دخالت نداره"، "کمیته، پاسدار حق اهانته نداره"

بخشنامه‌های ضد انقلابی برای سرکوب عناصر مترقی

اوائل شهریورماه جاری از طرف بازرگان بخشنامه‌ای به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی ارسال شد که طی آن اعتراضات و انتقادهای عناصر آگاه و مترقی ادارات به تبعیضها، اجحافات، سازشکاریها و سوءاستفاده‌های موجود در آنها، "انحراف"، "انتقاد ضد انقلابی" و "خرابکاری" نامیده شد و برکناری و اخراج آنها مورد تأکید قرار گرفت.

در زیر عین بخشنامه و اعلامیه افشاگرانه، گروهی از کارکنان صدا و سیما و جمهوری اسلامی را که در همین رابطه منتشر کرده‌اند، ملاحظه می‌کنید.

بخشنامه‌های انقلابی و انتقادهای ضد انقلابی

هنوز خاطرات تلخ اختناق و سرکوب و حتیانه ویلیمی رژیم مزدور شاه خاشاک فراموش نشده است که اختناق جدید، دیکتاتوری تازه آراسته خود را بر مردم تحمیل می‌کند. همان بساط قدیم از نو شروع می‌شود. در گذشته رژیم مغفور پهلوی هرگونه صدای اعتراض و آزادیخواهی را در محیط کار بطرز وحشیانه‌ای سرکوب می‌کرد. مترسکین و حق طلبان را مجازات و یا از محیط کار اخراج می‌کردند و حتی حسابهای چندساله را در برابر کمترین اعتراض نصب آنها نمی‌نمودند. چه بسیار از کارگران و کارمندان را به بهانه‌های از جمله اخلال و خرابکاری، ولی در اصل سمطور حفظ سرمایه داران بیگانه و جیسره-خواران، از کار برکنار و یا تبعید نموده و زندگی را بر آنها سخت و تلخ می‌کردند.

جماعت ساواک در برابر کوچکترین اعتراض به تبعیض، پارتی بازی، رشوه خوری و حقه‌بازی بحرکت درمی آمد و در حتمتکاران کارخانه‌ها و ادارات از بیم آنکه مبادا خرج معاش زندگیشان از دست برود و خانواده‌شان دچار گرسنگی و در بگیری و بی خانمانی گردد، دردها و ناله‌ها و حتی گلابه‌ها را در سینه‌ها پنهان می‌کردند. لیکن این دردها و ناله‌ها آتیه گردید و به فریاد تبدیل شد و فریادهای به مشتمل‌های گره کرده و مشتبه به مسلسل و سرانجام سرنگونی دیکتاتور و جلادها و وای بر آنان که از این تجربه، گرانقدر درس نگیرند.

می‌بینیم که میوه چینیان تازه بقسدرت رسیده که از ترس حرکات بنیان کن توده‌های زحمتکش، از همان روزهای اول انقلاب مانع حمله مردم به مراکز قدرت رژیم سابق و امپریالیسم می‌شدند، چگونه با درجای پای رژیم گذشته می‌نهند و چگونه نظام قدیم را با همه کتافات و لودگیها پیش احیا می‌کنند. عمال و کارگزاران ساواک و سیا را همچون "شاکر" و بسیاری دیگر در رأس کارها می‌گمارند از سرمایه داران زالوصفت که دارائی مملکت را بتاراج برده‌اند، با حمایت مادی و معنوی دعوت می‌کنند که دوباره بازگردند و بسه مکیدن شیر، جان زحمتکشان بپردازند.

در مقابل، کارگران را با نیروی ویژه و آتشین نامه، با اصطلاح انتفاطی، ارتشیان را با قوانین و سیستم نظامی سابق، مصلحان و کارمندان را با تهدید به اخراج و مجازات و ادار به اطاعت کور و خفان در مقابل همه آن عوامل و مزدوران

رژیم سابق می‌کنند که دوباره به سرکارها بازگشته‌اند.

از این میان، اخیراً بخشنامه‌ای برای وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی ارسال شده که زحمتکشان ادارات را مجبور به سکوت و خاموشی در برابر تبعیضها و اجحافات و سازشکاریها و سوءاستفاده‌ها می‌کند. به بهانه "جلوگیری از انتقاد ضد انقلابی"، "انحراف"، "خرابکاری" و ... درصددند تا هرگونه اعتراض باینکه چرا ساواکیها بر سر کارند، چرا مزدوران دربار و نابکاران قدیم بر سر کارند، چرا ثوراها بی‌راکه ابتکار انقلابی کارکنان را بساط می‌برد، متوقف می‌کنند و هزارچراهای دیگر را در سینه خفه کنند. فضای آزادی که در محیط های کار، پس از قیام بوجود آمده بود و توده‌ها با آسودگی و بدون ترس و وحشت در آن فضا مشکلات و نارائشهای را افشا می‌کردند و بدین ترتیب آگاهی و هوشیاری انقلابی خود را بالا می‌بردند و در نتیجه ابتکار عمل خود را در محیط کار و جامعه بهبود می‌بخشیدند، اکنون از طرف حکومت به بهانه توطئه و خرابکاری مورد هجوم قرار می‌گیرند.

کارگران و کارمندان را که در این چند ماهه یاد گرفته بودند دیگر بیخ و مهره‌های بی اراده و بی شعور نباشند و با درایت و آگاهیهای اجتماعی با کارها و امور محیط کار خود و با مسئولیت و دلبستگی با جریانات برخورد کنند، مجدداً حکومت می‌خواهد به ابزارهای مطیع و بی اراده و تسوری خور تبدیل کند و ضمانت این عمل را هم به گروگان گرفتن چندرغاز حقوقی را که به آنها می‌پردازد

قرار می‌دهد.

آنها از ما می‌خواهند که تابع بیچون و چرای هدفها و مقاصد هیئت حاکمه باشیم و دارای عقایدی که ببرد تأیید و اثبات نظرات قدرتمندان بخورد و خلاصه نوع مخصوص سفارش شده را بسیم و بشنوم و بگوئیم.

آری حکومتی که درصد احیا، و بقای همه نهادهای رژیم گذشته است، حکومتی که همه شرایط را برای استثمار و غارت سرمایه داران و امپریالیستها آماده می‌کند حتماً اعتراض و حق طلبی کارکنان زحمتکش را "تعطل و کم کاری" وانمود کرده و متهم به "انحراف و انتقادهای ضد انقلابی" میکند و حتماً مجریان این دستورات انقلابی را هم باید مدیران و مسئولینی قرار دهند که اکثرشان دارای پیشینه‌های درخشانی در سپردگی به رژیم گذشته هستند.

ولی سرانجام این حکومتها چیست؟ تاریخ نشان داده و نشان خواهد داد همچنانکه همین ما در کنگران چنین بخشنامه‌هایی به چشم خود در مورد حکومت سابق دیدند، اینکه با اعتراض توده‌ها و ناراضیانی اینان از حکومت قدرتی است که هیچ نیروی یارای ایستادگی در مقابل آنها ندارد و سرانجام بیروز خواهد شد و آلودن این اعتراضات به مارک های انتقاد ضد انقلابی و خرابکاری نه تنها از نیروهای خلق نمی‌کاهد بلکه دشمنان آنها را هر روز رسوا تر خواهد ساخت. آنچنانکه خواهیم دید و دیر نخواهد بود.

"هر چه راست و بیروزمندتر باد ندای حق طلبی" گروهی از کارکنان صدا و سیما جمهوری اسلامی

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت: ۱۱۰۵۸۷۶۶۷۳۳
تاریخ: ۱۳۵۸/۹/۱۹

بخشنامه
به وزارتخانه‌ها و موسسات مستقل دولتی

نظر باینکه بعضی از کارمندان دولت بجای هم‌آهنگی با ملت و انقلاب اسلامی و با خطبشی دولت جمهوری اسلامی به تعطل و کمکاری میپردازند و احیاناً "مرکب انحراف" و انتقادهای ضد انقلابی و خرابکاری میگردند ضرورت دارد که اولاً مراقبت شدید بکار برند و ثانیاً بدون تسامح و تمسلسل خطاکاران و خرابکاران را برکنار و تحت تعقیب قرار دهند.

دستور فرمائید این بخشنامه به دستگاههای تابعه مرکب و شهرستانها ابلاغ و نتیجه آن اعلام گردد.

نخست وزیر
دکتر دیر
شماره ثبت: ۱۱۰۵۸۷۶۶۷۳۳
تاریخ: ۱۳۵۸/۹/۱۹



جنبش کارگری

شورای ضد کارگری کارخانه چیت تهران بافکار

بعد از انقلاب، در این کارخانه هم مانند بسیاری دیگر از کارخانه‌ها شورایی تشکیل شد. اما پس از مدتی افراد مبارز و مترقی شورا تا حد زیادی تصفیه شدند. از جمله کسانی که در این تصفیه ضد کارگری نقش فعالی داشتند، علی محمد عرب (نماینده مجلس خبرگان که از طرف حزب جمهوری اسلامی کاندید شد) بود. او همراه با عناصر ضد کارگر دیگر شورا دائماً سنگ سرمایه داران را به سینه می‌زدند و می‌کوشیدند خواستهای کارگران را تبدیل کنند. این آقای باصطلاح نماینده کارگران با تعطیل بودن پنجشنبه‌ها هم بشدت بمخالفت برخاست. در حال حاضر کارگران اصلاً نظر خوشی نسبت به علی محمد عرب ندارند. یکی از کارگران می‌گفت: باید فاتحه عرب‌را خواند. او دیگر درد کارگر را نمی‌فهمد. کسی که در باد کولر و زندگی راحت غرق شود، بی خیالش و شورای کارخانه چیت تهران یک شورایی

مد کارگری است و کارش فشار بر کارگران و دفاع از منافع سرمایه‌داران است. این را براحتمی میتوان از اعلامیه‌های صادره از طرف شورا دریافت که مضمون آنها بیشتر چنین بوده است: "کارگران کم کاری نکنند. عنا - صری که کم کاری میکنند از میان خود طرد کنید. تا سوت کارخانه بعداً درنیا مده است از قسمت‌ها خارج نشوید" و از این قبیل. شورا همچنین نقش فعالی در سرکوبی کارگران بازی میکند. همین یک ماه پیش بود که یک کارگر را بنام جواد کلمتی از کارخانه اخراج و دو نفر دیگر را بمدت یک هفته از کار معلق کرد. "جرم" آنها خواستن اضافه دستمزد بود. و با فشاری شان بر روی خواست شان. شورا عملاً بر روی اعمال سرپرست‌ها که مانند پیش از انقلاب کارنامه‌های اربابان کار هن کارگر را بدست گرفته اند و بسو کارگران فشار زیادی را اعمال میکنند، صحنه میگذارد.

اهواز - اعتصاب کارگران مبارز ماشین سازی پارس

کارگران مبارز ماشین سازی پارس (یکی از بیمانکاران صنایع فولاد) بار دیگر برای گرفتن حق خود روز شنبه ۵۸/۷/۷ دست‌ازکار کشیدند. این چندمین بار پس از قیام است که کارگران این کارخانه برای احقاق حقوق باامبال شده خود دست از کار میکشند. اعتصابات گذشته کارگران ۲۰٪ غلب بخاطر افزایش دستمزد بود. سرانجام هم، آنها توانستند یکمک شورای واقعی خود طرح افزایش دستمزد پیشنهادی خود را که بطور متوسط معادل ۵۸٪ است به کارفرما تحمیل کنند. کارگران می‌بایستی حقوق شهرپورماه خود را با این افزایش دریافت میکردند که تا تاریخ ۵۸/۷/۷، از آن خبری نشده بود. کارگران که طی مبارزات گذشته خود پیاد گرفته‌اند که تنها به نیروی متحد و یکپارچه خود متکی باشند، برای دریافت آغافه - دستمزد شهرپور ماه از روز شنبه ۵۸/۷/۷، دست‌با اعتصاب می‌زدند و یکی از نمایندگان خود را برای مذاکره با مدیر عامل شرکت به تهران می‌فرستند. (با دریافت اخبار بعدی خوانندگان را در جریان خواهیم گذاشت).

یکپارچگی و اتحاد کارگران بندر

روز شنبه ۵۸/۶/۲۱ اطلاعیه‌ای از طرف اداره بندر خرمشهر (ب) صادر میشود که طی آن اعلام میگردد که کارگران باید روزانه ۱۲ ساعت کار کنند. طبق این اطلاعیه، ساعت کار به دو شیفت ۱۲ ساعته از ۷ صبح تا ۷ شب و از ۷ شب تا ۷ صبح تقسیم شده بود مسئولین بندر که گمان می‌برند در سایه سرکوب وحشیانه و فاشیستی مدنی هرگونه تعرضی به جنبش کارگری امکان پذیر است، مشت محکمی از کارگران دریافت کردند و مجبور شدند بلافاصله عقب‌نشینی نمایند. کارگران مبارز بندر بعضی اطلاع از این تصمیم ضد کارگری، همگی یکپارچه دست‌به اعتصاب می‌زدند. در این حرکت کارگران بندر، چنان یکپارچگی و فاطمیتی نشان می‌دهند که مسئولین بندر ۱/۵ روز پس از اعتصاب عقب‌نشینی میکنند و ظهر روزیکشنبه اطلاعیه قبلی مردود و ساعت کار بر طبق روال قبلی اعلام میشود. کارگران پس از به شکست گذاشتن این توطئه ضد کارگری، پیروز - مندانه به سر کار خود بازگشتند.

از مبارزات کارگران بیکار چه می‌آموزیم؟

کارگران مبارز!

۶ ماه از آغاز مبارزه، متشکل شما کارگران بیکار می‌گذرد. طی ۶ ماه مبارزه، شما توانستید گوشه‌ای هر چند کوچک از حقوق محققان را از دولت صد انقلاب حاکم دریافت کنید. "وام بیکاری" که دولت مجبور به پرداخت آن شد، تحت مبارزه، پیگیرانه، شما حاصل شد. "وام بیکاری" هر چند به هوجوه تمام آن خواست و هدف کارگران پیشرو نبود، لیکن دستاورد مبارزه، شما سایر توده‌های زحمتکش خلق ما محسوب می‌شود. بعنوان تجربه، بررسی این موضوع مهم است که چرا ما نتوانستیم به هدف خود در این زمینه دست یابیم. هدف ما عبارت بود از دریافت "حق بیمه بیکاری" و "حق کار" که تمام کارگران را دربر می‌گرفت. لیکن ما فقط موفق شدیم که به قسمت بسیار کوچکی از حق خود دست یابیم. در حال حاضر دولت صد انقلاب، همراه با بورژوازی حمله خود به سایر دستاوردهای انقلاب، همین مقدار اندک و محدود "وام بیکاری" را مورد سؤال قرار داده است و قصد دارد دیگر آنرا از اول مهرماه برداشت ننماید.

چرا ما در گرفتن تمامی حق خود پیروز نشدیم؟ چرا دولت صد انقلاب به خود اجازه می‌دهد که همین مقصدار ناچیز وام بیکاری را دوباره پس بگیرد؟ ما در زیر مهمترین علل این مسایل را بررسی خواهیم نمود:

۱ - نبودن رهبری واحد بر مبارزات کارگران بیکار :

از آنجایی که رژیم منفرجه‌پهلوی حتی ابتدایی‌ترین تشکیلات منعی کارگران را مورد بورژوازی وحشیانه خود بقیه در صفحه ۹

توقیف کارگر به پیش!

بار دیگر ما مورین مسلح هیئت حاکمه به چاپخانه‌ای که نشریه "کارگر به پیش" شماره ۷ در آن چاپ میشد هجوم بردند و حدود ۱۵ هزار جلد کارگر به پیش آماده را همراه با یک نفر از متصدیان چاپخانه، با خود بردند. این عمل ضد دمکراتیک و ضد انقلابی در حالی صورت می‌گیرد که هیئت حاکمه دیگر حتی خود را به رعایت ابتدائی‌ترین اصول متداول ملزم نمی‌داند. چرا که کارگر به پیش! بهیچوجه رسمی در لیست توقیف نبوده است. (مشروح جریان را در شماره ۹ بعد خواهید خواند.)

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

در اداره بندر خرمشهر، برای تخلیه و بارگیری کالاهای چهار شرکت بیمانکار، از جمله دو شرکت بزرگ ایران ترمینال واستوب دیورینک با چندین هزار نفر کارگر فعالیت دارند.

بقیه در صفحه ۹